

Designing Future Scenarios of Political Culture in Iran (2023-2033)¹

Ali Navazeni* 

Postdoctoral researcher of University of Isfahan, a.navazeni@ase.ui.ac.ir

Hossein Harsij 

Professor, Department of Political Science, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, harsij@ase.ui.ac.ir

Abstract

Purpose: This study was carried out with the aim of investigating and designing scenarios of the future state of political culture in Iran, with a future-oriented approach to the category of political culture, which is the strength and distinction of this work from previous works. Knowing the political culture as a way of drawing people's attitude towards the political system is important because, while creating the conditions for understanding the relationship between the various elements of human life, it is considered to be an indicator of the social and political changes governing the future of a political system as a result of intergenerational transformations.

Method: In view of this, we used quantitative and qualitative methods and the Peterschwartz scenario method to answer the main question. Also, in order to collect information, research literature and documents were reviewed in the form of a library method and a semi-structured interview with a panel of 25 experts. Also, the Delphi method was used, and to measure reliability, the structural analysis method based on the interrelationship matrix tables based on Micmac software was used. And to design the scenarios, we benefited from the Scenario Wizard software.

Findings: We identified five key uncertainties related to the future state of political culture in Iran: myth-making, seeking justice, Ashura culture and Mahdism, linking religion and politics, and seeking independence, which are based on four cultural-political scenarios of religious democracy, religious exclusivity, and democratic participation and subordinate-participatory political culture can be drawn.


Conclusion: Among the 4 proposed scenarios, the scenario of subservient-participatory political culture has the highest probability of occurrence.

Key words: Iran's political culture, Futurology, scenario writing, Delphi phase, MicMac, scenario wizard

Cite this article Navazeni, Ali. Harsij, Hossein. (2023) Designing Future Scenarios of Political Culture in Iran (2023-2033), Volume.8, NO.2full & winter 2023, 63-101

DOI: 10.30479/JFS.2023.18579.1468

Received on: 28 March, 2023 **Accepted on:** 23 October 2023

Copyright © 2023, The Author(s). 

Publisher: Imam Khomeini International University

Corresponding Author/ E-mail: Ali Navazeni/ a.navazeni@ase.ui.ac.ir

1. This work is based upon research funded by Iran National Science Foundation (INSF) under project No.4020546

طراحی سناریوهای آینده فرهنگ سیاسی در ایران (۱۴۰۲-۱۴۱۲)

علی نوازنی*

پژوهشگر پسادکترای دانشگاه اصفهان، (نویسنده مسئول)
a.navazeni@ase.ui.ac.ir

حسین هرسیج

استاد علوم سیاسی، عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان،
harsij@ase.ui.ac.ir

چکیده

هدف: این مطالعه با هدف بررسی و طراحی سناریوهای وضعیت آینده فرهنگ سیاسی در ایران، با رویکرد آینده پژوهانه به مقوله فرهنگ سیاسی انجام شده است که نقطه قوت و تمایز این اثر با آثار پیشین به شمار می آید. شناخت فرهنگ سیاسی به مثابه ترسیم شیوه نگرش مردم نسبت به نظام سیاسی از آن رو حائز اهمیت می باشد که ضمن ایجاد شرایط فهم ارتباط بین عناصر مختلف حیات انسانی، مبین تغییرات اجتماعی و سیاسی حاکم بر آینده یک نظام سیاسی در نتیجه دگرگونی های بین نسلی به شمار می آید. روش: با توجه به این امر از روش های کمی، کیفی و روش سناریونگاری «پیتروشواتر» جهت پاسخ به سؤال اصلی بهره مند شده ایم. همچنین جهت جمع آوری اطلاعات به بررسی ادبیات تحقیق، اسناد و مدارک در قالب روش کتابخانه ای و مصاحبه نیمه ساختاریافته با پنل ۲۵ نفری از خبرگان اقدام شده است. همچنین از روش دلفی فازی استفاده و برای سنجش پایایی، از روش تحلیل ساختاری مبتنی بر جداول ماتریس روابط متقابل براساس نرم افزار میک مک و برای طراحی سناریوها از نرم افزار سناریو ویزارد بهره مند شدیم.

یافته های پژوهش: پنج عدم قطعیت کلیدی در ارتباط با وضعیت آینده فرهنگ سیاسی در ایران متصور می باشیم: اسطوره سازی، عدالت خواهی، فرهنگ عاشورایی و مهدویت، پیوند دین و سیاست و استقلال خواهی، که مبتنی بر آن چهار سناریوی فرهنگ سیاسی مردم سالاری دینی، انحصارگرایی دینی، مشارکت دموکراتیک و فرهنگ سیاسی تبعی-مشارکتی قابل ترسیم هستند. نتیجه گیری: از میان چهار سناریوی مطرح شده، سناریوی فرهنگ سیاسی تبعی-مشارکتی، از بیشترین درجه احتمال وقوع برخوردار است.

واژگان کلیدی: فرهنگ سیاسی ایران، سناریونگاری، دلفی فازی، میک مک، سناریوویزارد

*استناد: نوازنی، علی. هرسیج، حسین، (۱۴۰۲) / طراحی سناریوهای آینده فرهنگ سیاسی در ایران (۱۴۰۲-۱۴۱۲)

دو فصلنامه علمی آینده پژوهی ایران، مقاله پژوهشی، دوره ۸، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، ۶۳-۱۰۱

تاریخ دریافت مقاله ۱۴۰۲/۱/۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۷/۲۰

ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

«این اثر تحت حمایت مادی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور (INSF) برگرفته شده از طرح شماره «۲۰۲۰۵۴۶» انجام شده است»

مقدمه و بیان مسئله:

به طور عمده، فرهنگ سیاسی را در معنای ایستارها، باورها و جهت‌گیری‌های افراد در قبال سیاست در چارچوب یک نظام سیاسی به‌کار می‌برند. به عبارتی، فرهنگ سیاسی یک جامعه برگرفته از آرمان‌ها، نگرش‌ها و اقدامات اعضای جامعه درباره قدرت و سیاست است که تحت تأثیر نمادها، ارزش‌ها، هنجارها، عقاید و باورهای افراد در خلال تاریخ و زندگی مشترک و جمعی آنها محقق می‌گردد. به اقدامات و کنش‌های سیاسی در برابر نظام سیاسی سمت و سو می‌دهد. (کلیج، حقیقی، ۲۰۲۰، ص ۳۶۴). در این ارتباط، الگوهای متنوعی در خصوص شکل‌گیری و یا شکل‌دهی به فرهنگ سیاسی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به «رویکرد فرآیندی»^{۸۶} و تکامل تاریخی و اجتماعی فرهنگ سیاسی «رویکرد سرایتی»^{۸۷} و همچنین رویکرد «فرهنگ‌سازی»^{۸۸} توسط اصحاب قدرت، اشاره کرد؛ با این وجود، توجه به ترکیبی از الگوهای تغییر فرهنگ سیاسی ضرورت دارد و از طرفی نیز عناصر سازنده فرهنگ سیاسی در جامعه خود متأثر و وابسته به عناصری، همچون فرهنگ برآمده از توده، فرهنگ برآمده از نخبگان، تجارب و سنت‌های سیاسی - تاریخی ملت و ساختار و چارچوب سیاسی حاکم می‌باشد.

بر این مینا، نکته حائز اهمیت دیگر، این است که فرهنگ سیاسی ضمن ایجاد محدودیت‌ها و مشوق‌هایی برای کنش اجتماعی افراد، عادت‌واره‌هایی^{۸۹} را شکل می‌دهد که چگونگی ادراک شخص از حیات اجتماعی و سیاسی خویش و واکنش به آن را سازماندهی می‌کند؛ همچنین رفتار آینده فرد و جامعه و روند توسعه سیاسی را ترسیم و قابل پیش‌بینی می‌نماید. در ادامه در قالب جدول شماره ۱، به برخی از مهم‌ترین دلایل اهمیت توجه به فرهنگ سیاسی در جوامع را اشاره می‌نمایم:

86. Process approach

87. Diffusion Theory

88. Cultural approach

89. habitus

جدول شماره ۱: دلایل اهمیت فرهنگ سیاسی در جوامع
فرهنگ سیاسی نشان دهنده نگرش مردم نسبت به یک نظام سیاسی است.
فرهنگ سیاسی امکان درک دلیل عدم ایجاد یک پدیده مشابه در کشورهای مختلف را فراهم می‌کند.
فرهنگ سیاسی به درک فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی و انتقال فرهنگ سیاسی از نسلی به نسل دیگر کمک می‌کند.
فرهنگ سیاسی امکان درک ارتباط بین عامل اجتماعی و اقتصادی از یک سو و توسعه سیاسی از سوی دیگر را فراهم می‌کند.
فرهنگ سیاسی امکان درک چگونگی رعایت قوانین و قانون اساسی کشورهای مختلف توسط افراد و گروه‌های مختلف را فراهم می‌کند.
منبع: (رفیع و عباس‌زاده، ۱۳۹۷: ۳۷-۳۸)

بر این اساس، گونه‌شناسی‌های متنوعی از فرهنگ سیاسی توسط متفکرین انجام گردیده است. در پژوهش حاضر، گونه‌شناسی سه‌گانه فرهنگ سیاسی «آلموند و وربا» مورد توجه می‌باشد. از دیدگاه آنها، سه نوع جهت‌گیری ارزیابانه، احساسی و همچنین شناختی در تدوین فرهنگ سیاسی جوامع مداخله دارند. در جهت‌گیری ارزیابانه به برداشت و قضاوت در خصوص رویدادها و وقایع سیاسی توجه می‌شود. در جهت‌گیری احساسی، به احساسات افراد جامعه در قبال نیروها و نقش‌های موجود در نظام سیاسی توجه شده و در زمینه جهت‌گیری شناختی، شناخت، باور و همچنین اعتقاد به نظام سیاسی، سمت‌ها و متصدیان آن مد نظر قرار می‌گیرد (فاطمی‌نیا، ۱۳۹۸، ص ۴۴). این امر در نهایت، تعیین‌کننده سه دسته از افراد می‌باشد. افراد مشارکت‌جو که «فرهنگ سیاسی مشارکتی»^{۹۰} را پدید می‌آورند، افراد پیرو یا تابع که «فرهنگ سیاسی تبعی یا رعیتی»^{۹۱} را به وجود می‌آورند و افراد کوچک‌اندیش که «فرهنگ سیاسی کوچک‌اندیشانه»^{۹۲} را پدید می‌آورند. (Almond & Verba, 1965, p 36-60) از آن منظر که نمی‌توان شکل خالصی از فرهنگ‌های سیاسی نام‌برده را در حیات اجتماعی مشاهده نمود؛ از این حیث، رویکرد تلفیقی ایجاب می‌کند که در قالب جدول شماره ۲، به طور مختصر ویژگی‌های هر کدام از فرهنگ‌های سیاسی را ذکر نماییم:

90. Participant Political Culture

91. Subject Political Culture

92. Pharochial Political Culture

جدول شماره ۲: انواع فرهنگ سیاسی از نظر آلموند و وربا	
انواع فرهنگ سیاسی	مشخصات
محدود	افراد نه به طور مستقیم از عملیات و یا خط مشی سیاسی نظام سیاسی ملی آگاه است و نه خود را به عنوان عضوی از یک ملت می‌شناسد. در این فرهنگ مردم تصور نمی‌کنند که می‌توانند در شکل‌گیری و دگرگونی هدف‌های سیاسی مؤثر باشند. برای آنها طرح موضوعاتی مثل منافع، اهداف، امنیت و توسعه ملی، محلی از اعراب ندارد.
تبعی	افراد از اقتدار تخصصی حکومت آگاه‌اند اما رابطه اساساً رابطه انفعالی است. به دیگر سخن در فرهنگ سیاسی تبعی آگاهی سیاسی و ملی وجود دارد، اما مردم صرفاً از حکومت بی‌چون و چیرا و متعلاانه اطاعت می‌کنند و نه مشارکت.
مشارکتی	افراد فعالانه در کارهای نظام درگیر هستند. از نفوذ نظام در زندگی خود آگاه‌اند و سعی می‌کنند که در تنظیم‌سازی و طریقی که در آن به کار برده می‌شود شرکت کنند.
محدود - تبعی	افراد از وابستگی‌های سیاسی ناب محلی و فرهنگ سیاسی محدود خارج می‌شوند و اقدام به تعمیم وفاداری به نهادهای حکومتی و تخصصی‌شدن می‌کنند. در این نظام فرهنگی، افراد هنوز به عنوان یک نیروی سیاسی نسبتاً ضعیف ظاهر می‌شوند و احزاب سیاسی و گروه‌های ذی‌نفوذ از کارایی چندانی برای تبدیل خواست‌ها به سیاست برخوردار نیستند.
تبعی - مشارکتی	افراد از لحاظ سیاسی به گروه‌های آگاه و فعال، و متعلل تقسیم می‌شوند. گروه فعال نسبت به کلیه اهداف سیاسی حساس است و در بسیاری از موارد رفتار نخبگان را در مورد تصمیمات و سیاست‌ها تحت تأثیر قرار دهد.
محدود - مشارکتی	خرده نظام‌هایی که در قسمت نهاده شرکت دارند، دارای خصصت کاست‌گونه، قبیله‌ای و محلی هستند افراد برای مشارکت سیاسی به شکل اجتماعات توده‌ای، تاسیونالیستی، انتخابات محلی و ... ترغیب می‌شوند. در هر صورت ممکن است سازمان‌های نهاده و داده براساس منافع محدود عمل کنند و در نتیجه بر شیوه کار آنها (در مقام ارگان‌های مشارکتی ملی) خنده وارد شود.
منابع: (کوبینی‌مله و رضایی، ۱۳۸۵: ۴۶) (رزالی، ۱۳۷۵: ۲۰۳) (رفیع و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۲)	

همچنین می‌توان اذعان داشت که شکل‌گیری خودآگاهی اسلامی منتج از انقلاب اسلامی و تأکید مقامات جمهوری اسلامی ایران بر شکل‌دهی و تقویت مشارکت مردم در امور سیاسی ایران، نقش عمده‌ای در گسترش و تکامل فرهنگ سیاسی مشارکتی برعهده داشته است؛ با این وجود یافته‌های پژوهش، نشان می‌دهد که فرهنگ سیاسی در ایران از حیث گونه‌شناسی آلموند و وربا، تا حد زیادی مبتنی بر فرهنگ سیاسی تبعی - مشارکتی می‌باشد. (رهبرقاسی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۰۱) اگرچه از این نکته نباید غافل شد که در جمهوری اسلامی ایران بنا بر نظر مسئولان نظام اسلامی، تلاش در جهت رشد و بسط فرهنگ سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی که با حدی از تمایز ارزشی و ایدئولوژیک از فرهنگ سیاسی مشارکتی مورد نظر آلموند و وربا مطرح می‌باشد؛ صورت گرفته است. با این وجود، پژوهش حاضر بر آن است تا ضمن شناسایی پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های کلیدی برآمده از آنها، بتواند شرایط سنجش و ترسیم سناریوهای آینده فرهنگ سیاسی ایرانیان ۱۴۱۲ را فراهم نماید. در نتیجه، سازمان‌دهی تحقیق حاضر، مبتنی بر مراحل هشت‌گانه پیتروشوارتز و برآمده از شناسایی پیشران‌های فرهنگ سیاسی در ایران با اتکا به روش دلفی‌فازی و تکنیک تحلیل ساختاری مبتنی بر جداول ماتریس متقابل، جمع‌آوری اطلاعات از طریق روش‌های کتابخانه‌ای و مصاحبه‌ای و

پرسش‌نامه‌ای (در قالب مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و همچنین ارائه پرسش‌نامه نیمه‌ساختارمند به پندل ۲۵ نفری خبرگان) و تحلیل داده‌ها از طریق نرم‌افزارهای میک‌مک و سناریو ویزارد می‌باشد.

پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در حوزه پیشینه آثار و ادبیات نظری منتشر شده در حوزه فرهنگ سیاسی، پیشران‌های مؤثر از طریق منابع کتابخانه‌ای و به روش PEST^۳ (یک تحلیل از فاکتورهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، تکنولوژی و فناورانه) شناسایی شد که خروجی آن از طریق جدول شماره ۳ ارائه می‌شود.

جدول شماره ۳: عوامل کلیدی تأثیرگذار بر فرهنگ سیاسی در ایران

ردیف	سرواژه	نوع	مرجع
۱	اعتقاد سیاسی مردم به حاکمان	سیاسی	(سامی و کریمی، ۱۳۸۹) - (Weinberg, 2022)
۲	توزیع اقتدار و حکمرانی میان شهروندان	سیاسی	(اربابی، ۱۳۸۹) - (بشیریه، ۱۳۸۰)
۳	رقابت سیاسی	سیاسی	حسینی (۱۳۹۹) - (Maddah and others, 2022)
۴	آزادی بیان و نقد	سیاسی	(حجفی و همکاران، ۱۳۹۴) - (Vese, 2021)
۵	همکاری حزبی و نهادهای	سیاسی	(گلمن و همکاران، ۱۳۹۷) - (Bassan-Nygate and others, 2021)
۶	قانون‌گرایی	سیاسی	(پگندو، ۱۴۰۰) - (Parsons, 2020)
۷	اعتداف سیاسی کنشگران	سیاسی	(توانا و سردارنیا، ۱۴۰۰) - (امینی و خسروی، ۱۳۸۹)
۸	وفاداری سیاسی	سیاسی	(محمدی فر و کمرانفهان، ۱۴۰۰) - (Schwarz & Newman, 2020)
۹	جهان‌گرایی سیاسی یا پذیرش جامعه جهانی	سیاسی	(فرهادی محلی، ۱۳۴۰)
۱۰	پیوند دین و سیاست	سیاسی	معینی پور (۱۳۸۹) - (Paden, 2022)
۱۱	گرایش به دولت رفاهی	سیاسی	(فرانکنر و همکاران، ۱۳۹۳) - (Ahrens & Bandau, 2023)
۱۲	مشارکت در تصمیمات	سیاسی	(اینگلهارت، ۱۳۷۳) - (Rastegarpoor and others, 2023)
۱۳	گرایش به دولت دینی	سیاسی	(قصری، ۱۳۸۸)
۱۴	تقید به اصول ثابت سیاسی	سیاسی	(امینی و خسروی، ۱۳۸۹)
۱۵	نقدان امتد اجتماعی	سیاسی	بوزان (۱۳۷۸) - (Piwowarski & Trifunovic, 2023)
۱۶	مشارکت مدنی	سیاسی	(اینگلهارت، ۱۳۷۳) - (Wu, 2023)
۱۷	شفافیت‌خواهی سیاسی	سیاسی	(رهبر و قنبرپور، ۱۳۹۹) - (Castanho and others, 2019)
۱۸	قاعده نفی سبیل	سیاسی	(جلالی‌راد و سپهرنیا، ۱۳۹۶)
۱۹	سطح دانش سیاسی	سیاسی	(لیست، ۱۳۸۸) - (Kim and others, 2020)
۲۰	قیمت نفت	اقتصادی	(مصطفی نژاد و شیخ زاده، ۱۳۹۲) - (Moore, 2023)
۲۱	سیاست‌های پولی و مالی	اقتصادی	(فرج‌زاده و نقی، ۱۳۹۷)
۲۲	رکود اقتصادی	اقتصادی	(فرج‌زاده و نقی، ۱۳۹۷)
۲۳	بحران انرژی	اقتصادی	(خسروی پور و همکاران، ۱۳۹۷) - (Resolution 2022/c466/01)
۲۴	تولید ناخالص داخلی	اقتصادی	(حسینی، ۱۳۸۶) - (Liang, 2021)
۲۵	رانت خواری و فساد اقتصادی	اقتصادی	(رضائی سپهرنیا، ۱۳۹۶) - (Achim and others, 2020)
۲۶	بیگانه‌هراسی	اجتماعی	(قصری، ۱۳۸۸ و جلالی‌راد و سپهرنیا، ۱۳۹۶)
۲۷	بیگانه‌ستیزی	اجتماعی	(ابدالیانی و همکاران، ۱۴۰۱ و صادقی، ۱۳۸۸)
۲۸	از خودبیگانگی سیاسی	اجتماعی	(امام‌جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲) - (Burkitt, 2019)
۲۹	برابری خواهی	اجتماعی	(رابرت آلن دال، ۱۳۸۷) - (Lu, 2019)
۳۰	کاربزم‌گرایی اجتماعی	اجتماعی	(جلالی‌راد و سپهرنیا، ۱۳۹۶) - (Virbaliene and others, 2018)
۳۱	تعهد به نندهای دینی	اجتماعی	(جلالی‌راد و سپهرنیا، ۱۳۹۶)
۳۲	شایسته‌سالاری	اجتماعی	(لندری، ۱۳۸۸) - (Little, 2017)
۳۳	شامل و مدارا	اجتماعی	(جعفرپور کلوری، ۱۳۸۹) - (Verkuyten ad others, 2023)
۳۴	قومیت‌گرایی	اجتماعی	(احمدی، ۱۴۰۰) - (Vera and others, 2007)
۳۵	پذیرش دیگری با آستانه تحمل‌پذیری	اجتماعی	(آقاجسینی، ۱۳۹۵ و خان‌محمدی، ۱۳۹۲)
۳۶	اسطوره‌سازی	اجتماعی	(جلالی‌راد و سپهرنیا، ۱۳۹۶) - (Duxbury & Jeannotte, 2010)
۳۷	تغییر از درجه تحرکات اجتماعی نردهای	اجتماعی	(شریفی، ۱۳۸۱)
۳۸	ملی‌گرایی	اجتماعی	(توانا و همکاران، ۱۴۰۱) - (Kawai, 2020)
۳۹	افسردگی سیاسی	اجتماعی	(اینگلهارت، ۱۳۷۳)
۴۰	فرهنگ عاشق‌دوایی و مهدویت	اجتماعی	(جلالی‌راد و سپهرنیا، ۱۳۹۶)
۴۱	شهادت‌طلبی	اجتماعی	(حیدری و همکاران، ۱۳۹۵) - (قصری، ۱۳۸۸)
۴۲	آرمان‌گرایی و کمال‌گرایی	اجتماعی	(مقاهری، ۱۳۹۲) - (مصطفی نژاد، ۱۳۸۸)
۴۳	عدالت‌خواهی	اجتماعی	(آهنگران، ۱۳۹۷) - (صوری، ۱۳۸۱)
۴۴	استقلال‌خواهی	اجتماعی	(نوروزی، ۱۳۹۷) - (ریانی، ۱۳۸۹)
۴۵	تحول رسانهای (توسعه فناوری دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی)	فناوری و تکنولوژی	(ریعی، ۱۳۸۷)
۴۶	عمرتسی به فناوری‌های نوین	فناوری و تکنولوژی	(تاجیک، ۱۳۸۷)

مطالعات انجام شده، نشان دهنده آن است که در زمینه پیشران‌های اثرگذار بر آینده فرهنگ سیاسی در ایران، رویکردی جامع و آینده‌پژوهانه موجود نبوده و از طرفی نیز می‌توان طراحی سناریوهای آینده فرهنگ سیاسی در ایران را به عنوان نقاط تمایز این اثر با پژوهش‌های پیشین به شمار آورد.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش ترکیبی (کمی و کیفی) و با کاربست مراحل هشت‌گانه سناریونگاری پیترشوارتز جهت نیل به اهداف پژوهش استفاده گردید که عبارتند از:

جدول شماره ۴: مرحله ۸ گانه سناریونگاری پیترشوارتز	
مراحل	مشخصات
نخست	شناسایی موضوع یا تصمیم اصلی
دوم	شناسایی عوامل کلیدی
سوم	شناسایی پیشران‌های محیطی
چهارم	طبقه‌بندی روندهای عوامل کلیدی بر مبنای اهمیت و قطعیت
پنجم	منطق‌دهی به سناریوها
ششم	داستان‌واره‌ها
هفتم	مضامین
هشتم	شاخص‌های سناریوها
منبع: (شوارتز، ۱۳۸۶: ۲۱۱-۲۱۷)	

علاوه بر این جهت جمع‌آوری اطلاعات، ترکیبی از روش‌های کتابخانه‌ای، روش دلفی‌فازی، تکنیک (تحلیل ساختاری) تجزیه و تحلیل مبتنی بر جداول ماتریس روابط متقابل و همچنین از نرم‌افزارهای «میک‌مک» و «سناریو ویزارد» استفاده شد که در این خصوص، توضیحاتی در ادامه ارائه می‌گردد: روش دلفی‌فازی: این روش دارای مراحل متعددی جهت جمع‌آوری اطلاعات از خبرگان حوزه موضوعی پژوهش است و با طی چند مرحله رفتی و برگشتی داده‌ها جهت نیل به یک اجماع گروهی انجام می‌پذیرد:

مرحله نخست: شامل سنجش و ارزیابی پیشران‌های پژوهش از طریق مطالعه فراگیر مبانی نظری پژوهش می‌باشد که در این مرحله ۴۶ عامل مورد شناسایی قرار گرفت.

مرحله دوم: جمع‌آوری آرای خبرگان می‌باشد. در این مرحله از پنل ۲۵ نفری خبرگان، متشکل از ۲۰ عضو هیأت علمی دانشگاه‌های کشور و ۵ نفر فارغ‌التحصیل دکتری علوم سیاسی که در زمینه

جامعه‌شناسی و فرهنگ سیاسی ایران دارای دستاوردهای ارزشمندی هستند؛ استفاده گردید. پس از ارائه پیشنهادها به خبرگان، از آنها خواسته شد تا درجه اهمیت هر عامل را از ۱ تا ۵ بر مبنای میزان اولویت آن، رتبه‌بندی نموده و پس از میانگین‌گیری، خروجی داده‌ها مبتنی بر جدول شماره ۵، اعداد فازی آنها تعیین گردید.

عبارات زبانی	اعداد فازی مثلی
خیلی بااهمیت	(۷و۹و۱۰)
بااهمیت	(۵و۷و۹)
متوسط	(۳و۵و۷)
بی‌اهمیت	(۱و۳و۵)
خیلی بی‌اهمیت	(۰و۱و۳)
نظری ندارم	(۰و۰و۰)
منبع: (نوازی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱)	

مرحله سوم: تأیید و غربالگری شاخص‌ها می‌باشد.

مرحله چهارم: اجماع و اتمام دلفی فازی، پس از ارائه پرسش‌نامه‌ها در سه مرحله رفتی و برگشتی به خبرگان، میزان ارزش به دست آمده در هر متغیر با میزان حد آستانه S (میزان حد آستانه با استنباط ذهنی تصمیم‌گیرنده تعیین می‌گردد که در پژوهش حاضر عدد ۶، لحاظ شد) مورد مقایسه قرار گرفت و خروجی آن ۱۸ عامل با حد آستانه بالای ۶ بود که از برتری بیشتری نسبت به سایر عوامل برخوردار بودند.

همچنین با استفاده از پرسش‌نامه ماتریس اثرات متقابل، به جمع‌آوری آرای خبرگان پرداختیم. تجزیه و تحلیل داده‌ها را از طریق نرم‌افزارهای میک‌مک و سناریوی ویزارد محقق نمودیم. باید توجه داشت که کارکرد این نرم‌افزارها در سنجش امتداد و پیوستگی میان رویدادهای احتمالی است؛ این که تا چه میزان تحقق هر واقعه احتمالی منجر به دگرگونی و تغییر در احتمال وقوع دیگر رویدادها می‌شود (محمدپور و ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۶). در این روند، ۱۸ عامل کلیدی شناسایی شده در مرحله پیشین در قالب جداول ماتریس، اثرات متقابل زوجی توسط پنل خبرگان تکمیل شد که تشکیل دهنده یک ماتریس ۱۵×۱۵ می‌باشد. جهت اجرای پرسش‌نامه، به بررسی تأثیر و ارتباط میان پیشنهادها موجود در ستون‌ها با پیشنهادها موجود در سطرها پرداختیم؛ به این معنا که پیشنهادها ستون‌ها،

اثرپذیر و پیشران‌های سطرها، اثرگذار می‌باشند. (بهشتی و زالی، ۱۳۹۰، ص ۶۱) و سنجش پیشران‌ها از طریق طیفی، از اعداد حد فاصل ۳ تا ۳- (از خیلی اثرگذار تا خیلی اثرپذیر) صورت گرفت. پس از آن اطلاعات و داده‌های به دست آمده از طریق قابلیت گروه^{۹۴} به نرم‌افزار سناریوی ویزارد ارائه گردید و از مشارکت‌کنندگان درخواست گردید که توصیف‌گرهایی را با استفاده از عبارات کلامی مطرح نمایند. اگرچه این امکان وجود دارد که برای هر توصیف‌گر چندین حالت محتمل، ترسیم شود. در ادامه از مشارکت‌کنندگان درخواست نمودیم، برای مثال اثر وقوع حالت a1 از توصیف‌گر A را بر روی حالت b1 از توصیف‌گر B را به صورت کلامی بیان کنند که این فرآیند برای تمامی توصیف-گرها اعمال گردید. این ارتباط و اثرگذاری می‌تواند در قالب طیفی از ۳ تا ۳- (خیلی اثرگذار تا خیلی کم اثرتر) ترسیم شود و وارد ماتریس روابط متقابل شوند. در پایان با سنجش اثرات مستقیم و غیر مستقیم فرمت‌ها بر روی یکدیگر، سناریوهای سازگار پیش‌روی سیستم مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت.

۱. فرآیند سناریونگاری آینده فرهنگ سیاسی در ایران ۱۴۱۲ مبتنی بر مراحل هشت‌گانه پیتروشوارتز گام نخست: شناسایی موضوع یا تصمیم اصلی:

سوال اصلی پژوهش حاضر چنین قابل طرح می‌باشد که چه سناریوهایی در زمینه آینده فرهنگ سیاسی در ایران ۱۴۱۲ قابل ترسیم می‌باشند؟
گام دوم: تعیین افق زمانی و جمع‌آوری اطلاعات:

در این پژوهش، بازه زمانی ۱۴۰۲ تا ۱۴۱۲ محور اصلی مطالعه قرار گرفته است. همچنین جمع‌آوری اطلاعات با بهره‌گیری ترکیبی از روش‌های کتابخانه‌ای و پیمایشی ۴۶ پیشران (جدول شماره ۳) ارائه گردید.

گام سوم: شناسایی نیروهای پیشران کلیدی:

برای تجزیه و تحلیل عوامل کلیدی مرحله پیشین، ۳ مرحله پرسش‌نامه نیمه ساختاریافته در قالب روش دلفی‌فازی به پنل خبرگان عرضه شد تا میزان اهمیت هر عامل را از ۱ تا ۵ (خیلی بی‌اهمیت،

۲. بی‌اهمیت، ۳. متوسط، ۴. با اهمیت، ۵. خیلی با اهمیت) مشخص نمایند و خروجی حاصل از آن، ۱۸ پیشران (جدول شماره ۶) با عدد فازی بالاتر از ۶ بود که از برتری بیشتری نسبت به سایر پیشران‌ها برخوردار بود.

عدالت‌خواهی	استقلال‌خواهی	انعطاف سیاسی کنشگران
عوام‌زدگی	شفافیت‌خواهی سیاسی	قاعده نقی سبیل
استپوره‌سازی	گرایش به دولت رفاهی	قومیت‌گرایی
افسردگی سیاسی	ازخودبیگانگی سیاسی	آزادی بیان و نقد
آرمان‌گرایی و کمال‌گرایی	تقدس امنیت اجتماعی	سطح دانش سیاسی
فرهنگ عاشق‌ورایی و مهدویت	ملی‌گرایی	پیوند دین و سیاست

منبع: (خروجی یافته‌های نویسندگان)

با توجه به جدول شماره ۷، پرسش‌نامه‌ای در قالب جدول ماتریس روابط متقابل ترسیم گردید. پس از ارائه آن به مشارکت‌کنندگان و سنجش خروجی یافته‌ها، میانگین نتایج ماتریس روابط متقابل در جدول شماره ۸، قابل مشاهده می‌باشد.

گام چهارم: آشکارسازی عناصر نسبتاً معین و گام پنجم: شناسایی عدم قطعیت‌های کلیدی در این گام از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا پرسش‌نامه‌ای را که به صورت جدول تحلیل اثرات متقابل تنظیم نمودیم، پاسخ دهند. خروجی پرسش‌نامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار آینده‌پژوهی «میک‌مک» مورد تحلیل قرار گرفت که میزان اثرپذیری و اثرگذاری متغیرها تعیین شود. برای هدایت و راهنمایی مشارکت‌کنندگان، از آنها خواسته شد که در چارچوب پرسش‌نامه جهت امتیازدهی به تأثیر پیشران‌ها بر یکدیگر در قالب طیفی از ۰ تا ۳ (صفر به معنای عدم ارتباط و یا ارتباط پیشران با خودش و ۳ به معنای ارتباط زیاد) استفاده نمایند.

پس از دریافت آرای مشارکت‌کنندگان و ارائه میانگین داده‌ها در نرم‌افزار میک‌مک، نرم‌افزار، رابطه میان پیشران‌ها را بر اساس ساز و کار اثرگذاری و اثرپذیری محاسبه کرده و در نهایت برای هر عامل، یک امتیاز عددی در نظر می‌گیرد. سپس بر اساس این امتیاز، عوامل را بر اساس اثرگذاری و اثرپذیری به صورت مستقیم و غیرمستقیم رتبه‌بندی می‌کند. در جدول شماره ۹، پیشران‌های اثرگذار و اثرپذیر

بر آینده فرهنگ سیاسی در ایران ۱۴۱۲ رتبه‌بندی شده است که نتایج حاصل را نشان می‌دهد؛
پیشران‌های ۱ تا ۵ از بیشترین اثرگذاری برخوردار می‌باشند.

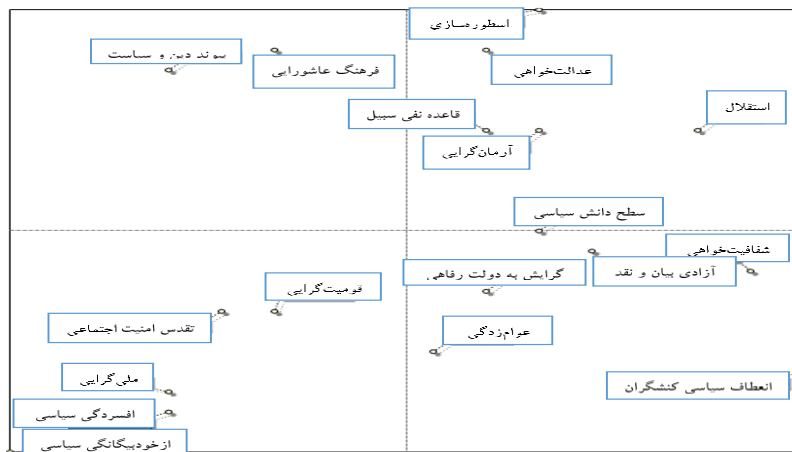
جدول شماره ۹: امتیاز تأثیرگذاری و تأثیرپذیری عوامل به صورت مستقیم و غیرمستقیم

رتبه	عامل	تأثیرگذاری مستقیم	عامل	تأثیرپذیری مستقیم	عامل	تأثیرگذاری غیرمستقیم	عامل	تأثیرپذیری غیرمستقیم
۱	اسطوره‌سازی	۷۶۳	انعطاف‌سیاسی	۶۸۹	اسطوره‌سازی	۷۶۲	شفافیت‌خواهی	۶۸۰
۲	عدالت‌طلبی	۷۲۶	شفافیت‌خواهی	۶۷۰	فرهنگ‌عاشورایی	۷۲۰	انعطاف‌سیاسی	۶۷۲
۳	فرهنگ‌عاشورایی	۷۲۶	استقلال‌خواهی	۶۵۱	پیوند دین و سیاست	۷۱۹	استقلال‌خواهی	۶۴۶
۴	پیوند دین و سیاست	۷۰۷	آزادی بیان و نقد	۶۱۴	عدالت‌طلبی	۶۹۲	آزادی بیان و نقد	۶۲۱
۵	استقلال‌خواهی	۶۵۸	اسطوره‌سازی	۵۵۵	استقلال‌خواهی	۶۷۲	دانش‌سیاسی	۶۰۸
۶	قاعده نفی‌سبیل	۶۵۱	آرمان‌گرایی	۵۹۵	قاعده نفی‌سبیل	۶۶۶	عدالت‌خواهی	۵۸۷
۷	آرمان‌گرایی	۶۵۱	دانش‌سیاسی	۵۵۵	آرمان‌گرایی	۶۵۹	آرمان‌گرایی	۵۸۷
۸	دانش‌سیاسی	۵۵۸	عدالت‌طلبی	۵۷۷	دانش‌سیاسی	۵۵۶	دولت‌رفاهی	۵۸۰
۹	آزادی بیان و نقد	۵۲۰	قاعده نفی‌سبیل	۵۷۷	آزادی بیان و نقد	۵۲۰	قاعده نفی‌سبیل	۵۷۷
۱۰	شفافیت‌خواهی	۵۲۱	دولت‌رفاهی	۵۷۷	شفافیت‌خواهی	۵۱۹	اسطوره‌سازی	۵۷۴
۱۱	دولت‌رفاهی	۵۰۲	عوام‌زدگی	۵۵۸	قومیت‌گرایی	۵۰۲	عوام‌زدگی	۵۳۷
۱۲	قومیت‌گرایی	۴۸۲	قومیت‌گرایی	۵۰۲	امنیت اجتماعی	۴۹۸	فرهنگ‌عاشورایی	۵۱۳
۱۳	امنیت اجتماعی	۴۸۲	فرهنگ‌عاشورایی	۵۰۲	دولت‌رفاهی	۴۸۶	قومیت‌گرایی	۵۱۳
۱۴	عوام‌زدگی	۴۲۶	امنیت اجتماعی	۴۸۲	عوام‌زدگی	۴۲۷	امنیت اجتماعی	۴۸۳
۱۵	انعطاف‌سیاسی	۴۲۸	افسردگی سیاسی	۴۶۵	انعطاف‌سیاسی	۴۲۵	ملی‌گرایی	۴۷۹
۱۶	ملی‌گرایی	۴۰۹	ملی‌گرایی	۴۶۵	ملی‌گرایی	۴۱۷	پیوند دین و سیاست	۴۷۰
۱۷	افسردگی سیاسی	۳۹۱	پیوند دین و سیاست	۴۶۵	افسردگی سیاسی	۳۷۰	افسردگی سیاسی	۴۵۵
۱۸	ازخودبیگانگی سیاسی	۳۵۳	ازخودبیگانگی	۴۰۹	ازخودبیگانگی سیاسی	۳۲۵	ازخودبیگانگی سیاسی	۴۱۰

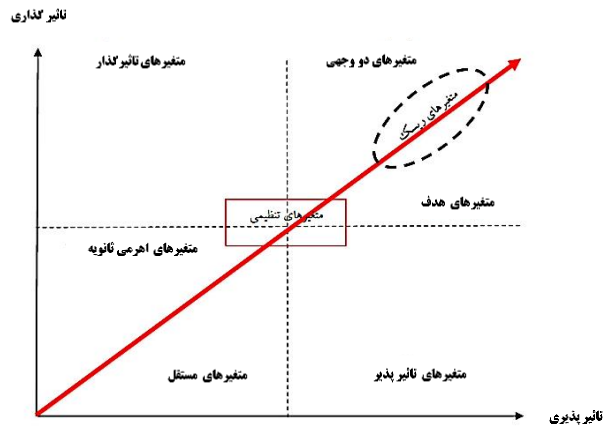
منبع: (نویسندگان: خروجی مستخرج از نرم‌افزار میک‌م‌ک)

در جدول زیر موقعیت و وضعیت هر یک از عوامل کلیدی مؤثر بر فرهنگ سیاسی در ایران بر اساس نحوه قرارگیری متغیرها ارائه شده است که در نهایت نشان‌دهنده مهم‌ترین، عدم قطعیت‌های اثرگذار بر فرهنگ سیاسی در ایران می‌باشد. نتیجه آن در قالب اشکال زیر نشان داده شده است.

شکل شماره ۹: نمودار وضعیت عوامل کلیدی در خروجی نرم‌افزار میک‌م‌ک



شکل شماره ۲: مکان‌یابی توزیع پیشران‌ها

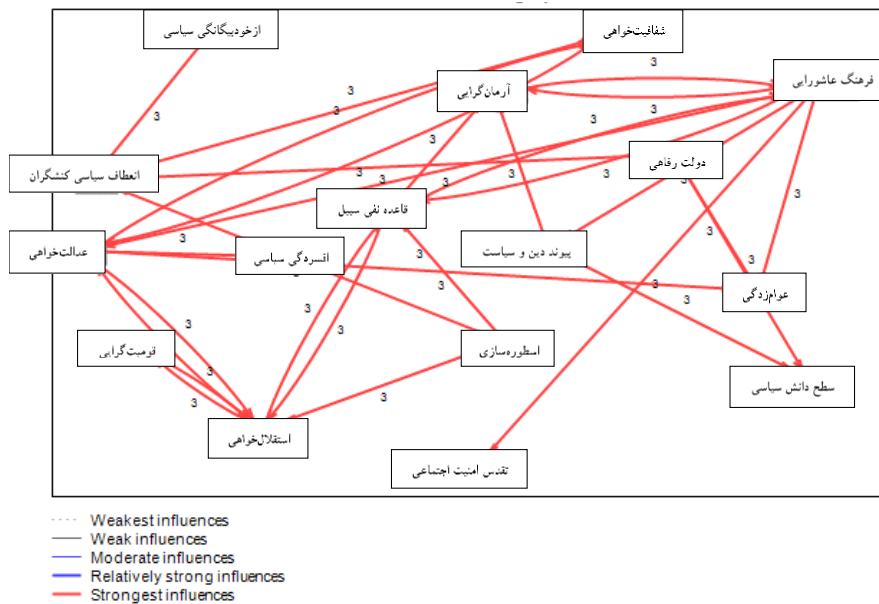


جدول شماره ۱۰: وضعیت هریک از متغیرها بر اساس تحلیل در نرم‌افزار میک‌مک

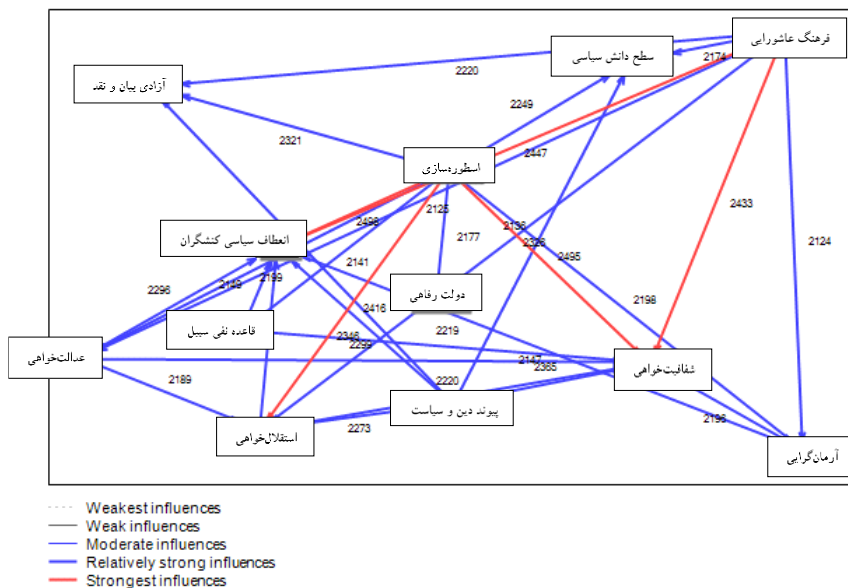
متغیر	نوع متغیر	ردیف
فرهنگ عاشقورایی و مهدویت	تأثیر گذار	۱
پیوند دین و سیاست		
اسطوره‌سازی		
عدالت‌خواهی	دو وجهی	۲
قاعده نفی سبیل		
آرمان‌گرایی		
استقلال‌طلبی	ریسک	۳
سطح دانش سیاسی	هدف	۴
شفافیت‌خواهی	تأثیر پذیر	۵
آزادی بیان و نقد		
گرایش به دولت رفاهی		
عوام‌زدگی	مستقل	۶
انعطاف سیاسی کنشگران		
افسردگی سیاسی		
قومیت‌گرایی	تنظیمی	۷
ملی‌گرایی		
-		
تقدّس امنیت اجتماعی	اهرمی ثانویه	۸
از خود بیگانگی سیاسی		

منبع: (نویسندگان: خروجی مستخرج از نرم‌افزار میک‌مک)

شکل شماره ۳: نمودار تأثیرات مستقیم بسیار قوی بین متغیرهای کلیدی



شکل شماره ۴: نمودار تأثیرات غیرمستقیم (تأثیرات بسیار ضعیف تا بسیار قوی)



در نهایت از میان ۱۸ عامل کلیدی اولیه، ۵ پیشران (۱: اسطوره‌سازی، ۲: عدالت‌خواهی، ۳: فرهنگ عاشورایی و مهدویت ۴: پیوند دین و سیاست، ۵: استقلال‌خواهی) دارای بیشترین عدم قطعیت در حوزه اثرگذاری بر فرهنگ سیاسی ایران ۱۴۱۲ می‌باشند.

پیشران‌های کلیدی اثرگذار بر فرهنگ سیاسی در ایران ۱۴۱۲

اسطوره‌سازی

بشر در فطرت و ذات خود اسطوره‌طلب، اسوه‌جو و الگوگر است. از این رو، در روش‌های خودسازی و اصلاح جامعه به شخصیت‌هایی توجه دارد که دارای روح متعالی، نفس مهذب و ایمانی قوی می‌باشند. جامعه ایران نیز از این امر مستثنی نبوده و «عمدتاً قهرمان‌طلب (اسوه‌جو و اسطوره‌گرا) می‌باشد.» (محدثی، ۱۴۰۱) اسطوره یا اسوه به معنای الگو و چیزی است که باید بدان تأسی جست و همانند آن عمل کرد، مانند اخلاق نیک و صفاتی که از منظر اسلام در رسول خدا (ص) تجلی یافته است. (شعرانی، ۱۳۸۸: ص ۳۸)

شده امروزه در جوامع، اسطوره از معانی مختلفی برخوردار می‌باشد. یکی از ریشه‌ای‌ترین عناصر این معانی، ارزیابی و فهم مشترک از اسطوره‌ها، به عنوان گذشته تصویر شده است. سنتی که برای زندگی امروز و طرحی پایدار برای آینده پیش رو می‌باشد. بر این مبنا، اسطوره‌ها تلاش دارند که به فرهنگ سیاسی جوامع، معنا ببخشند و به عنوان نمونه و الگوی متعالی زندگی، حرکت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برای نسل‌های آینده تجلی یابند؛ آنچه که در پیوند با ایران حائز اهمیت است، چگونگی استفاده از اسطوره‌ها در جهت معنا بخشیدن به ارزش‌ها، باورها و اعتقادات سیاسی شهروندان و خبرگان توسط نظام‌های سیاسی می‌باشد. (امینیان و مشهدی، ۱۳۹۱: صص ۲۹-۳۵) ملت‌ها باید اسطوره‌های خود را خوب بشناسند که مبدا این اسطوره‌ها، زمینه‌ای برای تسلط دیگران بر آنها شوند و نظام سیاسی نیز با درک درست اسطوره‌ها از آن در جهت الگو سازی مثبت استفاده کند. در جدول شماره ۱۱، به برخی از کارکردهای اسطوره اشاره می‌نماییم:

جدول شماره ۱۱: کارکردهای اسطوره و اسوه در جوامع	
ردیف	مشخصات
۱	اسطوره‌ها میل و رغبت اجتماعی را در پابندی به ارزش‌های جامعه بالا می‌برند.
۲	اسطوره‌ها مانند چسب‌های اجتماعی می‌باشند که همبستگی اجتماعی را به بار می‌آورند.
۳	اسطوره‌ها تجسم عینی ارزش‌ها هستند و همواره از طریق آنها می‌توان ارزش‌های اجتماعی یک جامعه را کشف کرد.
۴	هرگاه جامعه با کمبود اسطوره‌ها مواجه شود یا اهمیت و اعتبار اجتماعی آنها کاسته گردد، دامنه پیشگیری انحرافات تقلیل یافته و فرآیند درمان کجروی هم با مشکل مواجه می‌شود
۵	تصویرسازی از یک آینده فرضی یا یک گذشته افسانه‌ای برای جامعه و ترقیب و جهت‌دهی به احساسات جامعه و شکل‌دهی به فرهنگ سیاسی جامعه از جمله دیگر کارکردهای اسطوره می‌باشد.
۶	اسطوره‌ها ابداع می‌شوند تا (از طریق بیان تمثیلی مجموعه‌ای خاص از مسائل) واسطه حل معماهای اساسی یا تناقضات در محدوده فرهنگی باشند که به سادگی قابل حل نیستند. (اسطوره‌ها ساختارهایی هستند که از طریق آنها معنای جهان درک می‌شود).
۷	اسطوره‌ها تمادهایی از واقعیت‌های دوردست یا حافظه جمعی ملت هستند که اگرچه فارغ از ابهام نمی‌باشند، با این وجود همواره تقدس‌بخش، مشروعیت‌بخش و حافظ و صیانت‌کننده از گروهی از ارزش‌ها (آداب و سنن، بنیان‌های مذهبی و ...) می‌باشند.
منابع: (آقاجانی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۷)، (جواری و رضائی، ۱۳۹۵، ص ۴۸)، (فکوهی، ۱۳۷۹، ص ۱۳۹)، (امینیان و مشهدی، ۱۳۹۱، ص ۲۸)، (موقن، ۱۳۹۷)، (سورل، به نقل از کاسیرر، ۱۳۶۲، ص ۹۸)	

همچنین، تجلّی عینی اسطوره در جامعه زمانی است که حکومت و جامعه دچار بحران شود و مشروعیت حکومت کاهش یابد و نیروهای اخلاقی جامعه ضعیف شده باشند. وقتی ذهن کسی، پیرو اسطوره‌ای شد، نفوذ بر آن و رویارویی با اعتقاد اسطوره‌ای بسیار سخت و دشوار می‌باشد (موقن، ۱۳۹۷). اسطوره‌ها، دسته‌جات مردمی را در این باور که به ساختار واحدی به نام ملت متعلق هستند و از سرنوشت و آینده مشترکی برخوردار هستند، متفق می‌سازد؛ این امر به طور قطع، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به هویت و از طرفی فرهنگ سیاسی ایرانی برخوردار خواهد شد.

بر این اساس، اسطوره‌ای که در ایران باید مورد تأکید و ترسیم اجتماعی قرار گیرد؛ به‌مثابه یک الگوی تکامل، باید از امتحانات متعدد الهی پیروز بیرون آمده، توانمندی و اقتدارش به اثبات رسیده باشد. از طرفی نیز اسطوره باید از دل باور و میثاق‌های اجتماعی و هویتی جامعه (هویت ایرانی، اسلامی و مدرنیته) برآمده باشد و نمی‌تواند با چنین خصیصه‌هایی بیگانه باشد؛ چراکه انسان‌ها از اسطوره تقلید

می‌کنند به این دلیل که تصور می‌نمایند موجب تقویت خودشان می‌شود و تحلیل اسطوره امکان درک بهتر ساز و کارهای درونی هر فرهنگی را فراهم می‌نماید.

از طرفی نیز حاکمان و مبلغان چنین اسطوره‌هایی باید خود پای‌بند به قواعد و نمادهای ترسیم شده باشند و از تعهد به آن خودداری ننمایند؛ چراکه الگوها و سرمشق‌های زندگی، یکی از مهم‌ترین ابزارهای تربیت بشری به‌شمار می‌آیند. اساساً پیامبران و معصومان، تلاش داشتند که مهم‌ترین شاخصه‌های هدایت را با اقدام و عمل خود نشان دهند (بشیر و حسینی، ۱۳۹۱: ص ۲۱).

عدالت‌خواهی

عدالت یکی از مهم‌ترین مفاهیم زیستی انسان می‌باشد که در پیوندی عمیق با سلامت ذهنی و مادی او قرار دارد؛ اگر عدالت اجتماعی در درون روابط بین افراد، گروه‌ها و حکومت تأمین نشود، زمینه فرار از قانون و ارتکاب ناهنجاری را فراهم می‌شود. خداوند، در قرآن کریم نیز بر تحقق عدالت تأکید می‌نماید: «ان الله یأمر بالعدل و الأحسان» (نحل، ۹۰) عدالتی که از منظر اسلامی به معنای «وضع شی در مواضع له» یعنی، هر چیزی بر جای خودش باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ص ۳۳۰). آیت‌الله خامنه‌ای نیز در این موضوع، عنوان می‌دارند: «هم مردم وظیفه دارند که در محیط زندگی خودشان اقامه قسط کنند و هم حاکمان وظیفه دارند که با قسط با مردم رفتار کنند.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳)

حال این سوال شکل می‌گیرد که در صورت پذیرش عدالت و ترویج عدالت‌خواهی در جامعه، چه معیاری را باید جهت نیل به آن در نظر گرفت؟ آیا می‌توان از رهگذر خواسته و منویات شخصی، حزبی و جناحی خویش عدالت را تفسیر به رأی نمود و با رویکردی گزینشی به مسئله عدالت «نُومِنُ بَبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بَبَعْضٍ» (سوره نساء، ۱۵۰) عمل نمود؟ یا ضرورت دارد که با ارائه تعریفی جامع و فراگیر از عدالت اسلامی، ضمن پای‌بندی، در جهت تحقق آن گام برداشت و همچنین ضمن پای‌بندی به آن نیز به این اصل اسلامی، واقف گردید که «وَ أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ» در عمل، نسبت به این مسئله، رویکردهای مختلفی در کشور موجود می‌باشد؛ با این وجود، در زمینه جایگاه و اهمیت عدالت، رجوع به تعابیر امام خمینی (ره) می‌تواند راهگشای جامعه به‌شمار آید که در جدول شماره ۱۲، به آن اشاره شده است:

جدول شماره ۱۲: تعابیر امام خمینی (ره) از عدالت	
عدالت به معنای قابل نشدن امتیاز برای قشرهای (خاص)	(امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۳۸۸)
اقامه عدل یعنی نجات مستمندان از زیر بار ستمگران و کوتاه کردن دست ستمگران	(امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۵۲۸)
عدالت به معنای قیام انسان‌ها به قسط که به معنای رفع ستمگری‌ها و چپاولگری‌هاست.	(امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۲۹۱)
عدالت یعنی امنیت سیاسی برای همگان؛ «دولت در خدمت مردم است و از ... استبداد خبری نخواهد بود»	(امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۲۵۶)
عدالت به معنای این که طبقات مختلف به طبقات پایین ظلم نکنند. باید حق فقرا، حق مستمندان داده شود.	(امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۴۶۱)
عدالت یعنی عمل بر اساس قانون و موازین قانونی «باید همه قشرها روی موازین عدل اسلامی رفتار کنند و هرکسی خودش سرخود نباشد که هرچه دلش بخواهد بکند»	(امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۶۸)
عدالت یعنی پر کردن شکاف‌های طبقاتی «باید برای زاغه نشین‌های بیچاره‌های که هیچ نداشتند، باید برای آنها فکر کرده؛ نه همه برای آن بالا و آن اشراف؛ ... حکومت مال همه است»	(امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۰۱)
عدالت یعنی لغو امتیازات ویژه زمامداران: «در جمهوری اسلامی، زمامداران مردم نمی‌توانند با سوءاستفاده از مقام، ثروت‌اندوزی کنند و یا در زندگی روزانه امتیازی برای خود قائل شوند.»	(امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۶۶)
عدالت یعنی توزیع عادلانه ثروت و درآمدها «بسط عدالت، رفع ایادی ظالمه و تأمین استقلال و آزادی و جریانات اقتصادی و تعدیل ثروت به طور عاقلانه و قابل عمل و عینیت در اسلام است»	(امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۳۲۳)
عدالت یعنی انجام صحیح و بایسته امور فارغ از پارتی بازی «این طور نباشد که یک کسی که آشنای ما هست، جلو کارش را انجام بدهیم، یک کسی که خیر، غریبه هست، عقب‌تر انجام بدهیم و هکذا...»	(امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۲۰)
عدالت یعنی آزادی فعالیت احزاب و اجتماعات؛ «هرگونه اجتماعات و احزاب از طرف مردم در صورتی که مصالح مردم (مصالح ملی) را به خطر نیندازند، آزادند و اسلام در تمامی شئون حد و مرز آن را تعیین کرده است.»	(امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۶۶)
عدالت یعنی مشارکت برابر مردم، ابتنای حکومت به آرای ملت، نظارت مردم بر حکومت و مانند آن؛ «آگاهی مردم و مشارکت و نظارت همگانی آنها با حکومت منتخب خودشان، خود بزرگترین ضامن حفظ امنیت در جامعه خواهد بود.»	(امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۴۸)
عدالت یعنی انتقاد آزادانه از حکومت و حاکمان؛ «هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع کننده بدهد و در غیر این صورت، اگر بر خلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد، خود به خود از مقام زمامداری معزول است.»	(امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۴۰۹)
و همچنین امام خمینی (ره) عنوان می‌داشتند که عدم تحقق عدالت در جمهوری اسلامی، زمینه‌ساز مایوس شدن مردم از دین و دولت گردیده و اسلام را به خطر خواهد انداخت. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، صص ۳۳۴-۳۳۵)	

همچنین می‌توان به نگرش آیت‌الله مطهری نسبت به بی‌توجهی و عدم تحقق عدالت در نظام اسلامی اشاره نمود: «من تأکید می‌کنم اگر انقلاب ما در مسیر برقراری عدالت اجتماعی پیش نرود، مطمئناً به نتیجه نخواهد رسید و این خطر هست که انقلاب دیگری با ماهیت دیگری جای آن را بگیرد.» (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۶۰)

اگرچه، باید به دشواری‌ها و نارسایی‌های پیش‌روی تحقق عدالت در جامعه نیز توجه نمود؛ چراکه این امر، آن را مفهومی سهل و ممتنع بازنمایی می‌کند. به این معنا که سخن گفتن از عدالت اجتماعی به سهولت، اما عملیاتی نمودن و تحقق آن سخت و نیازمند تلاش گسترده و شناسایی مصادیق عینی آن می‌باشد و ضرورت دارد که گفتمان عدالت برای نخبگان و عموم مردم از سوی کسانی که نگاه جامعیت‌گرایانه به مسائل و ارزش‌های اسلامی دارند به خوبی تبیین گردد و از این رهگذر

عدالت خواهی به گفتمان عمومی جامعه تبدیل شود. آیت‌الله خامنه‌ای، در این ارتباط معتقدند که شناسایی، رصد، پایش و تشخیص مصادیق عدالت نیازمندی‌گیری مستمر و روحیه خستگی ناپذیر است و نباید در مطالبه عدالت یک لحظه کوتاهی نمود و دچار یأس و ناامیدی شد؛ چراکه مغرضان و مخالفان عدالت لحظه‌ای کوتاه نخواهند نشست، مقاومت و سنگ اندازی می‌نمایند و به‌طور قطع مطالبه‌گری‌ها به نتیجه خواهد رسید.

با این وجود، هیچ‌گاه نباید توقفی در عدالت خواهی همگانی در جامعه ایجاد گردد و هر رویدادی که در تضاد با عدالت در واقعیات کشور رخ دهد باید مورد سوال قرار گیرد. (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۷۴) می‌توان امیدوار بود که به مرور زمان، گفتمان عدالت خواهی به مثابه مؤلفه و معیاری در جهت‌دهی به انتخابات‌ها و گزینش‌های اجتماعی و سیاسی مردم به‌خصوص در انتخاب مسئولان در دوره‌های برگزاری انتخابات‌ها دخیل گردد و در نتیجه، حتی اگر حاکمانی به عدالت خواهی اعتقاد نداشته باشند، با حاکمیت این گفتمان، مجبور شوند که ولو در ظاهر، به قواعد و اصول آن پای‌بند گردند.

فرهنگ عاشورایی و مهدویت

می‌توان عنوان داشت که اسلام یکی از مؤلفه‌های اصلی تعیین‌کننده فرهنگ و هویت ایرانی به شمار می‌آید و بنا بر نظر آیت‌الله مطهری «اسلام خود سازنده فرهنگ است، یعنی اسلام خود یک سلسله اندوخته‌های معنوی آورد که همان‌ها فرهنگ اسلامی به شمار می‌رود.» (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۴۰۵) بر این مبنا، واقعه عاشورا به مثابه حرکتی سیاسی دینی و تحول‌خواه به‌شمار می‌رود که ضمن ترسیم ارزش‌های هویتی، فرهنگ سیاسی در ایران را ترسیم می‌نماید. امام خمینی (ره) از جمله طرفداران این رویکرد می‌باشد و معتقدند: «ملّتی که شهادت آرزوی اوست از دخالت نظامی و حصر اقتصادی باکی ندارد» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۱۲، صص ۱۳۵-۱۴۱)

بر این مبنا، منظور از فرهنگ عاشورایی، ارزش‌ها و باورهایی است که هم در سخنان سیدالشهدا، اصحاب و فرزندان ایشان در نهضت کربلا و هم در رفتارشان در جریان آن قیام متجلی است. از جمله ارزش‌ها و باورهایی که در این نهضت قابل ترسیم بوده و نقش تعیین‌کننده در فرهنگ سیاسی ایرانیان دارا می‌باشد، در قالب جدول شماره ۱۳ اشاره شده است:

جدول شماره ۱۳: ارزش‌های فرهنگ عاشورایی	
ارزش‌ها	شاهد مثال
انزجار از دنیازدگی و نظاهر دینی	مردم برده دنیا و دین لقلقه زیانشان می‌باشد.
صبر و مقاومت در راه خدا	«بر بلای او صبر می‌کنیم و او نیز پادش صابران را به ما می‌دهد» (مجلسی، ۱۳۹۶، ج ۴۴، ص ۳۶۷)
مقابله با تحریف دین	«آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل جلوگیری نمی‌شود.» (مجلسی، ۱۳۹۶، ج ۴۴، صص ۱۸-۳۸۱)
احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر	«و باید از شما گروهی باشند که به نیکی بخوانند و به کارهای پسندیده فرمان دهند و از کارهای زشت و ناپسند بازدارند و آنانند رستگاران» (آل عمران، ۱۰۴)
اصلاح طلبی و مبارزه با ستم حکومت‌ها	«اشکار ساختن معالم دین و اظهار اصلاح در شهرها و امنیت یافتن مظلومان و عمل به فرایض و سنن و احکام الهی» (مجلسی، ۱۳۹۶، ج ۹۷، ص ۷۹)
شهادت‌طلبی	«ای بزرگ زادگان! مقاومت کنید؛ چراکه مرگ تنها پلی است که شما را از زنج و سختی عبور می‌دهد و به سوی بهشت گسترده و نعمت‌های همیشگی می‌رساند» (ری شهری، ج ۱۱، ص ۹۳)
عمل به تکلیف به خاطر رضای خدا	«خشنودی خداوند، خشنودی ما اهل بیت است» (مجلسی، ۱۳۹۶، ج ۴۴، ص ۳۶۷) «همانا نماز و طاعت و تمام اعمال من و حیات من همه برای خداست که پروردگار جهانیان است» (سوره انعام، آیه ۶۲)
عزت و شرافت انسان	«زود من، مرگ از ننگ ذلت و پستی بهتر و عزیزتر است» (کشف‌الغمه فی معرفه الأئمه، ج ۲، ص ۳۶) «مرگ را جز خوشبختی نمی‌بینم و زندگی با ستمکاران را جز ملامت و خستگی» (مجلسی، ۱۳۹۶، ج ۴۴، ص ۳۸۱) «ذلت و خواری از ساحت ما به دور است»

اگرچه تار و پود سازمان‌دهنده فرهنگ ایرانی، الهام گرفته از فرهنگ عاشورایی می‌باشد و همواره همچو روحی بر پیکره جامعه ایرانی خودنمایی می‌کند؛ با این وجود، پای‌بندی و تعهد اجتماعی نسبت به این ارزش‌ها و برداشت درست و راستین از کیفیت آن، به خصوص در نسل جوان و نوظهور ایرانی بسیار نکته حائز اهمیت می‌باشد. در سالیان اخیر که جمهوری اسلامی ایران در گیر و دار تعارضات بین‌المللی به خصوص با آمریکا و هم‌پیمانان آن می‌باشد، تهاجم فرهنگی و سرایت فرهنگی امری غیرقابل اجتناب به شمار می‌رود. جریان‌هایی با خط مشی انحصارگرایانه در داخل و خارج از کشور (اگر چه بعضاً دل در گرو انقلاب نیز دارند) نمایان گردیده‌اند که یا با رویکردی انحصارگرایانه از فرهنگ عاشورایی و مهدویت مطابق امیال سیاسی و حاکمیتی و بی‌توجه به زمینه‌های اجتماعی آن سخن به میان می‌آورند و یا تعبیری خاص از صلح امام‌حسن(ع) با معاویه، نگرش‌های مصالحه‌جویانه

و اعتدال‌گرایانه را در قالب رفاه‌طلبی، مادی‌گرایی صرف و دنیاطلبی ارائه می‌نمایند. حال آن‌که این تعابیر تا چه میزان با ماهیت فرهنگ عاشورایی هم‌سو و یا در تعارض می‌باشد؛ خود نیازمند بحث مفصلی است که در این مجال فرصت طرح آن نمی‌باشد.

اگرچه، تفاسیر و برداشت‌هایی که از فرهنگ عاشورایی حاکم می‌باشد نیازمند به دقت و هوشمندی است تا ارزش‌ها و اهداف ترسیم شده در این فرهنگ به درستی درک و برداشت شود و از انحراف و انحصارگرایی فکری خودداری شود؛ با این وجود می‌توان اذعان داشت اصولاً یکی از راه‌هایی که مردم می‌توانند از طریق آن، از خطرات احتمالی امیال‌گرایانه و انحصارگرایی در امان بمانند، حرکت در مسیر ارزش‌ها و نمادهای عاشورایی، درونی نمودن آن و همچنین تنظیم کنش و واکنش خویش در پیوند با این ارزش‌ها می‌باشد (داری و مطلبی، ۱۳۹۸، ص ۸۳). همچنین توجه به این نکته ضرورت دارد که در سطح اجتماعی، فرهنگ عاشورایی همواره در ارتباط ایرانیان با دستگاه حاکمیت نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا نموده است و همواره ارزش‌های عاشورایی را در سطوح تصمیم‌گیری اجتماعی و سیاسی خویش دخیل دانسته و در برابر آسیب‌های فکری، معرفتی و همچنین آسیب‌های عملی و اجتماعی حساسیت نشان داده و می‌دهند.

از سوی دیگر، فرهنگ مهدویت‌گرایی و انتظار نیز از جمله خصیصه‌های ویژه جامعه ایرانی و تشیع به شمار می‌رود. به گونه‌ای که میشل فوکو، مفهوم انتظار را جزو فرهنگ سیاسی شیعیان عنوان می‌دارد. با نگاهی فرصت‌گونه به وجود مؤلفه انتظار در مکتب و فرهنگ سیاسی شیعه از این مکتب به عنوان راهگشا در دنیای پر از بن‌بست مدرنیته نام برده است. (فوکو، ۱۳۷۷، ص ۴۲). بر این اساس موعودگرایی به ترسیم وضعیت مطلوب انسان در هستی و توسعه آن دلالت می‌نماید. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای «جامعه مهدوی یعنی آن دنیایی که امام‌زمان می‌آید تا آن را بسازد، همان جامعه‌ای است که تمام پیامبران برای تأمین آن در عالم ظهور کردند. ولی عصر، میراث‌دار همة پیامبران الهی است که می‌آید و گام آخر را در ایجاد آن جامعه الهی بر می‌دارد.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۰) در جدول شماره ۱۴، به برخی از ویژگی‌های فرهنگ مهدوی و موعودگرایی اشاره نموده ایم.

جدول شماره ۱۴: ارزش‌های فرهنگ مهدوی و موعودگرایی	
ارزش‌ها	شاهد مثال
توکی و تبری	امام‌باقر: «خوشا بر احوال کسی که قائم اهل بیت مرا ادراک کرده و در غیبت و پیش از قیامت پیرو او باشد. دوستانش را دوست بدارد و با دشمنانش دشمن باشد. چنین کسی در روز قیامت از رفقا و دوستان من و گرامی ترین اُمت من خواهد بود.» (عباسی، ۱۳۹۰، ص ۱۵)
نفوذناپذیری در برابر دشمنان	«آنها (مؤمنان) بر کافران سخت گیرند»
وحدت و انسجام	امام‌صادق: گویا قلب‌هایشان آهن فولادین است که تردیدی در آنها راه ندارد. در راه خدا از سنگ محکم‌ترند و اگر کوه‌ها مانعشان شوند، آنها را از راه بر می‌دارند. (قاسم‌فام، ۱۳۹۹، صص ۶۳-۹۳)
شایسته‌سالاری	امام‌صادق: «خداوند حق را به اهلسن بر می‌گرداند. همین عامل باعث آشکار شدن حق می‌شود؛ طوری که دیگر چیزی از حق از ترس کسی مخفی نمی‌شود» (کلینی، ج ۱، ص ۳۳۴)
موضع‌گیری در برابر بدعت‌ها	امام‌علی: «هیچ بدعتی در دین ایجاد نمی‌شود مگر آنکه سستی ترک کرده؛ پس از بدعت‌ها بپرهیزید.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵)
استقرار عدالت فراگیر	امام‌باقر: «چون قائم ما به پا خیزد... در میان خلق خدا - با نیک و بد - به عدالت رفتار می‌کند.» (عباسی، ۱۳۹۰، ص ۱۵)
حمایت از مستضعفان	امام‌علی: «هرجا که باشد حق ستم‌دیده گرفته می‌شود و به او رد می‌گردد.» (قاسم‌فام، ۱۳۹۹، صص ۶۳-۹۳)
ترک ظلم‌پذیری و ظالم بودن	قرآن: لا تظلمون و لا تظلمون (سوره بقره، ۲۷۹)
ساماندهی به مطالبات مشروع و معقول شهروندان	حکومتی دوام و پایداری بیشتری دارد که به تأمین نیازهای عمومی توجه داشته اگرچه این تابعیت در خصوص درخواست‌های مقبول و مشروع مردم می‌باشد. (قاسم‌فام، ۱۳۹۹، صص ۶۳-۹۳)
همدلی همه نیروها در خدمت‌رسانی	قرآن: فاستبقوا الخیرات (سوره بقره، ۱۴۸) در انجام وظایف و یاری رساندن به دیگران با یکدیگر رقابت کرده و تنها هدفشان جلب رضایت خداوند و امام زمان است. (قاسم‌فام، ۱۳۹۹، صص ۶۳-۹۳)
منزلت نداشتن کارگزاران ناصالح در حکومت مهدوی	امام‌علی: «به راستی او (مهدی) قاضیان زشت کردار را برکنار می‌کند... و حکمرانان ستمگر را بر می‌دارد و زمین را از هر ستمگری پاکیزه می‌کند و خود به عدالت رفتار می‌نماید.» (مجلسی، ۱۳۹۶، ج ۵۱، ص ۱۲۰)
مردم‌پروری	امام‌علی: «دورترین افراد و دشمن‌ترین آنها نزد تو کسی باشد که پیش تو، از دیگران عیب‌جویی می‌کند... عیب‌های دیگران را بپوشان تا خداوند عیب‌های تو را بپوشاند. در کنار عیب‌پوشی، گشودگی سینه رهبر یا رهبران است که در حل کردن کینه‌ها، نقش مهمی دارد. گره هر کینه را بگشا و از دل بیرون کن و رشته عداوت را بگسل و خود را از آنچه از تو پوشیده داشته شده، به تغافل بزن و گفته سخن‌چینان را تصدیق مکن» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)
وفاق ملت‌ها و اُمت‌ها	امام‌صادق: «خداوند عزوجل به واسطه او (حضرت مهدی) حق را ظاهر و عدل را در شهرها گسترش می‌دهد و حال عموم مردم را بهبود می‌بخشد و وحدت کلمه پدید آورده و بین قلب‌های گوناگون الفت ایجاد می‌کند.» (صدوق، ج ۲، ص ۶۴۷)
پناهی برای مردم	از میان اُمت من، مهدی قیام می‌کند، خداوند او را برای فریادرسی مردمان بر می‌انگیزاند. (ازبلی، ج ۲، ص ۲۷۰)
نظارت دقیق بر عملکرد کارگزاران	حضرت محمد(ص): «از نشانه‌های مهدی، سخت‌گیری در برخورد با کارگزاران، بخشندگی مال، مهربانی و رحمت با تهیدستان است.» (ابن حیون، ج ۳، ص ۵۶۱)
قانون‌مندی کامل	در جامعه مهدوی، زمینه قانون‌شکنی و ظلم و تجاوز به حقوق دیگران از بین می‌رود و در صورت وقوع ظلم، حضرت با قاطعیت برخورد کرده و حق را به حق دار خواهد داد. در اثر این قدرت و احاطه، به تدریج خود

اگرچه باید توجه داشت که در طول تاریخ، نهضت‌های اصلاحی شکل گرفته‌اند که دچار انحراف شده و از ماهیت فساد ستیزی خویش خارج گردیده‌اند و همچنین جریانات اصلاحی و نهضت‌های اصلاحی شکل گرفته‌اند که دل در گرو باطل گمارده و در نتیجه نه تنها در مسیر هدایت قرار نگرفته‌اند؛ بلکه دستاویزی در اختیار سیاست‌ورزان و دولت‌مداران قرار گرفته‌اند و با وعده و وعید دستگاه‌های حاکمیت، توانسته‌اند در جهت تحقق عینی فرهنگ عاشورایی و مهدوی گام بردارند.

پیوند دین و سیاست

دین‌داری از عوامل تأثیرگذار بر فرهنگ سیاسی می‌باشد. به تعبیری در عصر فرا سکولار توافق وجود دارد که دین، به نسبت جوامع، یکی از مهم‌ترین پرورندگان فرهنگ، حتی در جهان مدرن می‌باشد. (دارابی و مطلبی، ۱۳۹۸، ص ۷۲) از دیدگاه اسلام، دین به مجموعه در هم تنیده‌ای از باورها و اندیشه‌های مأخوذ از وحی الهی اشاره دارد که مقصود از آن، رهنمود انسان به سوی بهتر زیستن و تکامل یافتن است. امام خمینی (ره) به عنوان حامی پیوند دین و سیاست، معتقدند: «(اسلام) همه احکامش یک احکام مخلوط به سیاست است...» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۱۸). ایشان تأکید داشتند که یکی از مفاصل بی‌توجهی به حکومت و تشکیلات حکومتی، تعطیل شدن احکام اسلام است: «چون در گذشته برای تشکیل حکومت و بر انداختن تسلط حکام خائن و فاسد به طور دسته جمعی و بالاتفاق قیام نکردیم، نفوذ و حاکمیت اسلام در جامعه کم شد، ملت اسلام دچار تجزیه و ناتوانی گشت.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۳، ص ۳۲) در جدول شماره ۱۵ به برخی از ارزش‌های انقلاب اسلامی اشاره می‌نماییم:

جدول شماره ۱۵: فرهنگ سیاسی منبعت از انقلاب اسلامی در ایران		
نفی سکولاریزم	نفی دنیاپرستی	نفی جدایی دین از سیاست
نفی اصالت قدرت	نفی حزب بازی	نفی جدایی اخلاق و عرفان از سیاست
نفی مادی‌گرایی	نفی سلطه‌طلبی	نفی امتیازطلبی طبقات سرمایه‌دار
نفی اومانیزم	نفی مکاتب فکری غیراسلامی	ضرورت بازگشت به خویشتن
منبع: (دارابی و مطلبی، ۱۳۹۸، ص ۷۴)		

بر این اساس در نظام اسلامی، «چارچوب ارزشی» حفظ شده و مردم‌سالاری دینی هیچ‌گاه در پی تعارض و اختلاف با دین، باورها و ارزش‌های نهادینه شدن در آن نمی‌باشد. در مردم‌سالاری دینی، خواسته‌های مردم، در پی تحقق و تحکیم اهداف عالی دین است و در پی نفی و یا تضعیف آن نمی‌باشد؛ زیرا در چنین شرایطی، مردم‌سالاری، از محتوای ارزشی خود تهی می‌گردد (فیاض، ۱۳۸۸). این دیدگاه هم‌چنان توسط دستگاه حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران تبلیغ و پیگیری می‌گردد و حامیان آن در تلاش، جهت تعمیق و بسط آن در فرهنگ سیاسی مردم ایران می‌باشند.

با این وجود، دیدگاه‌های متفاوتی نیز در ارتباط با جدایی دین و سیاست موجود می‌باشد که در نقطه مقابل دیدگاه فوق‌الذکر قرار می‌گیرد. عده‌ای به جهت جلوگیری از نفوذ دین در امور سیاسی این نظریه را برگزیده‌اند و پیاده‌شدن احکام اجتماعی دین را مخالف اهداف و آمال خود می‌بینند. آنها اصولاً دین را مانع رشد، ترقی علم و اندیشه بشری معرفی می‌کنند و عده‌ای دیگر معتقدند: «اصولاً دین، متکفل ارائه احکام در موضوعات و مسائل اجتماعی نمی‌باشد. تنها در محدوده روابط فردی دستورالعمل دارد. (به‌دروند، ۱۳۸۱)

طرفداران دیدگاه سکولار معتقدند که دین، مجموعه‌ای از دستورات، تعالیم اخلاقی و شخصی است. این‌که دین باید مبدل به امری شخصی و فردی شود و در چارچوب عبادات و احکام فردی محصور گردد؛ برای مبنای محوریت خود را در زندگی سیاسی و اجتماعی از دست داده است. (داوری‌اردکانی، ۱۳۷۵: ۷۸) علامه جعفری (ره) در این باب عنوان می‌دارد: «امروزه دین در دنیای غرب عبارت است از یک ارتباط روحانی شخصی میان انسان و خدا و دیگر حقایق فوق طبیعی، و در عین حال کمترین نقش را در زندگانی دنیوی بشر ایفا می‌نماید.» (جعفری، ۱۳۷۵، صص ۱۲۳-۱۲۵)

از طرفی، نیز برخی از متفکران اسلامی نیز بر جدایی دین از سیاست تأکید دارند، مهندس بازرگان عنوان می‌دارد که «انجام کارهای اصلاحی و تکمیل دنیا در سطح مردم دور از شأن خدا و تنزل دادن مقام پیامبران [به] حدود مارکس، پاستور و گاندی است.» (بازرگان، ۱۳۷۴، ص ۴۸) آنها بر این امر اعتقاد دارند که اگر افراد و به خصوص جوانان با ناتوانی و عجز ادیان، متصدیان و مدافعان دین در حل و رفع مشکلات اجتماعی و سیاسی مواجه گردند؛ نسبت به اعتقادات و عقاید خویش دل‌سرد و

بدبین می‌شوند. (خواججه‌سروی، ۱۳۸۶) از طرفی نیز، دکتر سروش عنوان می‌دارد که دنیا را عقلاً اداره می‌کنند و دین نباید در امور دنیایی مردم مداخله داشته باشد و اساساً نقشی برای دین در جهت آباد کردن دنیای مردم قابل تصور نمی‌باشد. (سروش، ۱۳۷۵، ص ۸)

بر این مبنا، در دایرة زیستی جمهوری اسلامی ایران، دیدگاه‌ها و جریان‌های سیاسی و دینی در قالب طیفی با شدت و ضعف مختلف از اعتقاد به جدایی کامل دین از سیاست تا پیوند کامل دین با سیاست موجود می‌باشد؛ با این حال باید به این نکته توجه داشت که با ورود رسانه‌های جدید تحوّل بزرگی در ایران ایجاد شده و آن حرکت در جهت خروج نظام دانایی از غلبه دین و حکومت است. این امر در پرتو گسترش رسانه‌های شخصی به عنوان منبع تولید و دریافت حجم گسترده‌ای از اطلاعات صورت گرفته است و در نتیجه نظام دانایی تا حدّی از تسلط کامل کارگزاران دینی و سیاسی خارج گردیده و لزوماً ساختار حاکمیت دینی در رقابت با سایر رقبا در جهت پیمایش و ساخت فرهنگ سیاسی گام بر می‌دارد. این‌که تا چه میزان مردم به نقش سیاسی دین باور دارند، خود مسئله حائز اهمیتی به‌شمار می‌آید. (محدثی، ۱۴۰۱)

در آخر این‌که ارزش‌های محفوظ در فرهنگ سیاسی متّکی بر مردم‌سالاری دینی (مورد نظر امام خمینی (ره) و حامیان پیوند دین و سیاست) در ایران نقش تعیین‌کننده ایفا می‌نماید و یا تحرک ایرانیان در مسیر ارزش‌های سکولار و یا جدایی دین از سیاست خود می‌تواند برآورنده و شکل‌دهنده فرهنگ سیاسی ایرانیان در آینده به‌شمار آید.

استقلال‌خواهی

استقلال به معنای «ثقل تصمیم‌گیری در درون واحد ملّی و با اتّکا به روش‌های مردم‌سالارانه.» می‌باشد. (مزروعی، ۲۰۰۵) و فارغ از آن‌که انسان در چه زمان و مکانی در فرآیند کنش اجتماعی و سیاسی قرار گیرد، همواره در پی حفظ، ارتقا و به‌کارگیری استقلال در آرا و در تصمیم‌گیری‌های خویش بدون مداخله عوامل غیرهنجارین اعم از داخلی و خارجی می‌باشد. در تاریخ معاصر ایران، همواره ایرانیان برای دستیابی به استقلال خویش اقدام نموده‌اند؛ با این حال طرز تلقی و نوع برداشت از استقلال و همچنین شیوة ترسیم چشم‌انداز پیش روی آن مورد توجه بوده است. بر این مبنا، آبخور استقلال یا حاکمیت از دو ستون و مجرای داخلی و خارجی نشأت می‌گیرد.

در سنخ داخلی، به اقتدار تام و تمام حکومت بر تمام نهادها و تابعین حاکمیت در درون مرزها تأکید می‌شود و در سنخ خارجی، به حق اعمال حاکمیت بدون مداخله دولت‌های خارجی و مطالبه ارتباط و موقعیتی برابر در عرصه روابط بین‌الملل با دیگر بازیگران بین‌المللی اشاره دارد. (بدیعی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۵۶)

بنابراین می‌توان گفت که استقلال کشورها مشمول ابعاد و حوزه‌های متنوع داخلی و خارجی و همچنین سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد. (یزدی، ۲۰۰۵) بر این اساس ۴ رویکرد کلی را می‌توان در قبال استقلال ارزیابی نمود که در جدول شماره ۱۶ به آن اشاره شده است:

جدول شماره ۱۶: انواع استقلال‌طلبی	
رویکرد	توضیح
انزوای سیاسی	تأمین کلیه نیازها و خواست‌های ملی و اجتماعی خویش در داخل و تعامل حداقلی و در حد صفر با دنیای خارج.
نسبیت در استقلال	قائل به تفکیک مسائل اقتصادی و صنعتی از مسائل سیاسی و ضرورت حفظ استقلال سیاسی کشور در عین وابستگی و پیوستگی در حوزه‌های دیگر.
کاهش وابستگی	به هرمیزان که انگای یک واحد سیاسی از نظام بین‌الملل کمتر باشد، قدرت مانور آن بیشتر است و می‌تواند برای دنیا هنجارها و ارزش‌های رفتاری تعیین کند.
نفی استقلال	دهکده‌گرایان جهانی معتقدند که با پیوند روزافزون مسائل جامعه بشری و تضعیف اهمیت مرزهای جغرافیایی و همچنین گسترش رفاه‌طلبی، استقلال و انکا به منابع داخلی منتهی می‌باشد.
منبع: (منصوری، ۱۳۷۴، صص ۵۶-۶۷)	

برداشت‌های فوق نسبت به استقلال خواهی در میان جریان‌های سیاسی در ایران با کم و کیف متفاوت موجود می‌باشد. اگرچه رویکردهای پیش گفته شده، امری نسبی و در قالب طیفی از حدّ اعلای استقلال و حدّ نزولی از استقلال قرار می‌گیرند و جریانات سیاسی در ایران را نیز نمی‌توان به طور کامل و انحصاری به یکی از این رویکردها وابسته دانست؛ با این وجود زمانی اهمیت استقلال و حاکمیت بیش از پیش جلوه‌گر می‌نماید که به ارتباط میان جمعیت و استقلال بپردازیم. این‌که دولت و حاکمیت کدام یک از رویکردهای پیش‌گفته را برگزینند، در کنش و واکنش مردم و تابعین دولت اثرگذار می‌باشد. «عامل اصلی استقلال کشورها مردمند؛ ... در دوران دفاع مقدّس، مردم وارد میدان شدند و با این‌که همه قدرت‌ها از صدّام حمایت می‌کردند، به او نیز کمک می‌کردند، جمهوری اسلامی

به کمک مردم توانست غلبه پیدا کند و دشمن را ناکام بگذارد.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۰) همچنین مطابق آنچه در اصل ۱۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به نوعی ثنویت در حاکمیت که جریان‌ساز در حوزه استقلال‌خواهی می‌باشد برخورد می‌نماییم: «محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی ... جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره کشور با اتکا به آرای عمومی ... تغییرناپذیر است.» این اصل به نوعی، اشاره به حاکمیت و استقلال سرزمینی و تحقق قوانین مبتنی بر دو مؤلفه فوق‌الذکر دارد و عدم تأثر از عوامل و بازیگران فرا ملی خارج از منافع ملی و اسلامی را نمایان می‌کند.

اگرچه توجه به این مطلب ضرورت دارد که مطابق سوابق تاریخی، به هر میزان که سطح پیشرفت و توسعه در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها پایین‌تر باشد، گرایش‌ات استقلال‌طلبانه در جهت تعیین حق سرنوشت خویش، ماهیت تنزلی به خود می‌گیرد و بالعکس. از طرفی نیز به هر میزان که توسعه سیاسی و اقتصادی رشد و تقویت گردد جامعه و حاکمیت به درجات بالاتری از استقلال دست خواهند یافت؛ به عبارتی استقلال سیاسی، اقتصادی و توسعه، ارتباط پیوسته و تنگاتنگی با درجه شناخت، آگاهی و دانش مردم و همچنین میزان پیوستگی و پیوند میان دولت و ملت دارا می‌باشد. (خادم‌آدم، ۱۳۷۰، ص ۳۷)

اگر قوانین کشوری، به افراد جامعه اجازه هر نوع بی‌بند و باری را بدهد، در عمل، مجوز انحراف فکری از مسیر استقلال را صادر نموده است؛ چه بسا ممکن است خودکامگی اقتصادی و سیاسی حاکمیت و یا جانشینی نفوذ و اثرگذاری بازیگران فرا ملی را بر مردم فراهم نماید. در نتیجه، تحقق اصلاحات در برخی از سیاست‌هایی که دچار از هم گسیختگی شده‌اند ضرورت داشته و این امر نیز با اتکا به حاکمیت قوانین اسلام و متکی بر خواست و تبعیت اکثریت مردم می‌باشد؛ چراکه بی‌توجهی به این امر، در ارتباط حاکمیت و ملت خدشه وارد می‌نماید.

دیدگاه امام خمینی (ره) در نقطه مقابل رویکرد «نسبیت در استقلال» (مطابق جدول شماره ۱۲) می‌باشد؛ چراکه ایشان معتقد به کاهش وابستگی در حوزه‌های مختلف بودند. ایشان در زمینه فرهنگی عنوان داشتند که بدون فرهنگ امکان تحقق استقلال سیاسی و اقتصادی برای کشور میسر نمی‌باشد «فرهنگ، اساس استقلال و ملیت یک ملت است.» و اینکه «شرط اول استقلال، استقلال مغزی و فکری است و ما باید فکرهايمان را عوض کنیم.» همچنین ایشان در زمینه استقلال اقتصادی بر استقلال در حوزه

مواد غذایی تأکید داشتند که این امر را مقدمه خودکفایی صنعتی و استقلال سیاسی نیز ارزیابی می‌نمودند (امام‌خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۱۵۵) قابل پذیرش نمی‌باشد؛ اگرچه این امر نافی ارتباط نتیجه-بخش با کشورهای خارجی نمی‌باشد چراکه «استقلال به معنای قهر کردن با کشورها نیست، به معنای ایجاد کردن سدّی در مقابل نفوذ کشورها است که نتوانند منافع آن کشور و ملت را تحت الشعاع منافع خودشان قرار بدهند.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲) این رویکرد در نقطه مقابل جریان نفی استقلال و ادغام در فرآیند جهانی شدن / سازی می‌باشد که اساساً اعتقادی به امکان دستیابی به استقلال در جهان کنونی ندارند. آیت‌الله خامنه‌ای صراحتاً با چنین رویکردهایی که استقلال ملی را به تمسخر می‌گیرند و آن را مایه عقب‌ماندگی می‌دانند و به دنبال تئوریزه کردن وابستگی هستند مخالفت می‌نمایند و خواهان عکس‌العمل در قبال آنان می‌باشند. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳)

گام ششم، هفتم و هشتم: تدوین، تحلیل و تعیین شاخص‌های سناریوها:

در گام ششم با در نظر گرفتن روندهای پیشین و مباحث مرتبط با موضوع اصلی، داستان‌واره یا سناریوهای اصلی ترسیم می‌شوند، همچنین در گام هفتم، پس از ترسیم سناریوها، با در نظر گرفتن موضوع و اهداف اصلی پژوهش حاضر، ارزیابی در ارتباط با هر یک از سناریوها با توجه به ایده اصلی پژوهش، انجام می‌گیرد. در گام پایانی (گام هشتم) علائم راهنمایی مشخص می‌گردد که از طریق آن امکان دستیابی و تحقق روند هر یک از سناریوها تعیین گردد. برای این مبنا، پس از رجوع به مشارکت کنندگان، از آنها درخواست گردید که شکل‌های مختلف پیشران‌های منتخب (توصیف-گرها) را مشخص نمایند و ارتباط میان ماتریس روابط زوجی را در قالب طیفی از +۳ تا -۳- امتیازدهی نمایند و پس از سرشماری اطلاعات، آنها را در نرم‌افزار سناریو ویزارد وارد نمودیم. (جدول شماره ۱۷) بر این مبنا، با اتکا به نتایج حاصل از نرم‌افزار سناریو ویزارد، ۲۳ سناریو سرشماری شد که ۴ سناریو با بیشترین امتیاز اثرگذاری و پایداری (صفر به بالا) مورد شناسایی قرار گرفت و در جدول شماره ۱۸ ارائه گردید.

جدول شماره ۱۷: ماتریس تحلیل آثار متقابل میان عدم قطعیت‌های اصلی از پیشران‌های منتخب																	
E			D			C			B			A			توصیفگر		
E3	E2	E1	D3	D2	D1	C4	C3	C2	C1	B4	B3	B2	B1	A3		A2	A1
۱	۱	۲	۱	-	۳	-	۱	۳	۰	۱	-	۳	۱				A1- انحصارگرایی حاکمیتی و مقابله با تمامی جریانانات عدالت‌خواه (فارغ از هر گرایش و عقیده‌ای)
۰	۲	۳	-	۳	-	۰	۳	۲	-	۲	۲	۱	۰				A2- مقابله گزینشی - مقابله صرفاً با جریانانات اعتقادی عدالت‌خواه معارض با عملکرد حاکمیت- (ترویج رویکرد خودی و غیرخودی)
۲	۰	۱	۲	۱	۱	۲	۲	۱	-	۰	۱	۱	۲				A3- ترسیم تعریف فراگیر اسلامی از عدالت‌خواهی و پایبندی، ترویج و حمایت از عدالت‌خواهان تحت هر شرایطی مصداق حدیث 'لَا تَنْظُرُ إِلَى مَنْ قَالَ وَ اتَّقِرْ إِلَى مَا قَالَ'
۳	۰	۰	۲	۱	-	۳	۱	۱	۰					۳	-	۱	B1- کاهش وابستگی
۱	۰	۲	۱	۱	۳	-	۲	۲	۰					۱	۱	۲	B2- ازرواطنی
۱	-	۳	-	۲	-	۱	۲	۳	۱					۲	۳	۱	B3- نسبت در استقلال
-	۲	۰	۰	۲	۱	۱	-	۲	۰					۰	۲	۰	B4- اقدام در جهانی شدن و نفی استقلال
-	۱	۲	-	۱	۱					۰	۲	-	۱	-	۲	-	C1- عدم پذیرش فرهنگ عاشورایی و مهدوی و پذیرش فرهنگ غربی (مادی)
-	-	۱	۱	۲	۳					-	۲	۲	۱	۰	۱	۳	C2- تاکید انحصارگرانه بر تفسیر خاص از فرهنگ عاشورایی و مهدویت مطابق ایدئال سیاسی و حاکمیتی و بی‌توجهی به زمینه‌های اجتماعی آن
-	۲	۰	۱	۲	۱					۱	-	۰	-	۰	۲	-	C3- تاکید صرف بر فرهنگ مصالحه‌جویانه حسنی (صلح با معاویه) و ترویج رفاصلی و بی‌توجهی به موعودگرایی مهدوی
۲	۱	۱	۳	۲	۰					۱	۰	۰	۳	۳	۱	۱	C4- ارائه تعریفی جامع‌گرایانه از اهداف امامان از عاشورا، صلح با معاویه و مهدویت حتی برخلاف ایدئال و خواست‌های نفسانی کارگزاران
۲	۲	۳				-	۰	۲	-	۱	۲	۲	۱	۰	۱	۳	D1- تقابل و عدم پذیرش اسطوره‌ها و اسوه‌ها - (احساس نگرانی و خطر از شکل‌گیری گروه مرجع جدید)
۱	۳	۱				۲	۱	۰	۲	۳	۲	۱	۰	۲	۳	۱	D2- گزینش انحصارگرانه اساطیر مبتنی بر یکی از عناصر هویتی (اسلامی یا ایرانی یا مدرنیته غربی)
۳	۱	۰				۲	۱	۰	-	۱	۱	۱	۳	۲	-	۰	D3- گزینش جامع‌گرایانه اساطیر مبتنی بر تلفیقی از عناصر هویتی (اسلامی و ایرانی و مدرنیته غربی)
			۱	۲	۲	۰	۱	۲	۱	-	۲	۲	۱	۰	۲	۲	E1- رویکرد انحصارگرانه به ترویج پیوند دین و سیاست (بی‌توجهی به نسبت میان مقبولیت و مشروعیت)
			-	۳	۱	۱	۱	۰	۱	۳	۱	-	-	۱	۲	۱	E2- تأکید بر جدایی دین از سیاست
			۲	۱	۱	۲	۰	-	۱	۲	۱	۳	۲	۲	۱	۱	E3- رویکرد تعامل‌گرایانه به ترویج پیوند دین و سیاست (پیوند توانمند مقبولیت اجتماعی و مشروعیت الهی)

جدول شماره ۱۸: میزان تأثیر و پایداری عدم قطعیت‌ها در هر سناریو			
سناریو	وضعیت	ارزش پایداری	میزان تأثیر کل
سناریو ۱	عدالت‌خواهی: ترسیم تعریف فراگیر اسلامی از عدالت‌خواهی و پایداری، ترویج و حمایت از عدالت‌خواهان تحت هر شرایطی مصداق حدیث لَا تَنْظُرُ إِلَى مَنْ قَانَ وَ تَنْظُرُ إِلَى مَا قَانَ استقلال‌خواهی: کاهش وابستگی فرهنگ عاشورایی و مهدویت: ارائه تعریفی جامع‌گرایانه از اهداف امامان از عاشورا، صلح با معاویه و مهدویت حتی برخلاف امیال و خواست‌های نفسانی کارگزاران اسطوره‌سازی: گزینش جامع‌گرایانه اساطیر مبتنی بر تلقی از عناصر هویتی (اسلامی و ایرانی و مدنیته غربی) پیوند دین و سیاست: رویکرد تعامل‌گرایانه به ترویج پیوند دین و سیاست (پیوند توأمان مقبولیت اجتماعی و مشروعیت الهی) عدالت‌خواهی: انحصارگرایی حاکمیتی و مقابله با تمامی جریان‌های عدالت‌خواه (فارغ از هر گرایش و عقیده‌ای)	۴	۲۷
سناریو ۲	استقلال‌خواهی: انزواطلبی فرهنگ عاشورایی و مهدویت: تأکید انحصارگرایانه بر تفسیر خاص از فرهنگ عاشورایی و مهدویت مطابق امیال سیاسی و حاکمیتی و بی‌توجه به زمینه‌های اجتماعی آن اسطوره‌سازی: تقابل و عدم پذیرش اسطوره‌ها و اسوه‌ها - (احساس نگرانی و خطر از شکل‌گیری گروه مرجع جدید) پیوند دین و سیاست: رویکرد انحصارگرایانه به ترویج پیوند دین و سیاست (بی‌توجه به نسبت میان مقبولیت و مشروعیت)	۵	۲۷
سناریو ۳	عدالت‌خواهی: مقابله گزینشی - مقابله صرفاً با جریان‌های اعتقادی عدالت‌خواه معارض با عملکرد حاکمیت - (ترویج رویکرد خودی و غیرخودی) استقلال‌خواهی: اقدام در جهانی‌شدن و نفی استقلال فرهنگ عاشورایی و مهدویت: تأکید صرف بر فرهنگ مصالحه‌جویانه حسنی و ترویج رفاه‌طلبی و بی‌توجهی به موعودگرایی مهدوی اسطوره‌سازی: گزینش انحصارگرایانه اساطیر مبتنی بر یکی از عناصر هویتی (اسلامی یا ایرانی یا مدنیته غربی) پیوند دین و سیاست: تأکید بر جدایی دین از سیاست	۴	۲۳
سناریو ۴	عدالت‌خواهی: مقابله گزینشی - مقابله صرفاً با جریان‌های اعتقادی عدالت‌خواه معارض با عملکرد حاکمیت - (ترویج رویکرد خودی و غیرخودی) استقلال‌خواهی: نسبت در استقلال فرهنگ عاشورایی و مهدویت: تأکید انحصارگرایانه بر تفسیر خاص از فرهنگ عاشورایی و مهدویت مطابق امیال سیاسی و حاکمیتی و بی‌توجه به زمینه‌های اجتماعی آن اسطوره‌سازی: گزینش انحصارگرایانه اساطیر مبتنی بر یکی از عناصر هویتی (اسلامی یا ایرانی یا مدنیته غربی) پیوند دین و سیاست: رویکرد انحصارگرایانه به ترویج پیوند دین و سیاست (بی‌توجه به نسبت میان مقبولیت و مشروعیت)	۵	۲۱

منبع: (نویسندگان - خروجی مستخرج از نرم‌افزار سناریویوزارد)

سناریوهای احصا شده عبارتند از:

سناریوی اول: سناریوی فرهنگ سیاسی مردم‌سالاری دینی (سناریوی مطلوب و خوش‌بینانه)

سناریوی دوم: سناریوی فرهنگ سیاسی انحصارگرایی دینی (سناریوی بدبینانه)

سناریوی سوم: سناریوی فرهنگ سیاسی مشارکت دموکراتیک (سناریوی محتمل)

سناریوی چهارم: سناریوی فرهنگ سیاسی تبعی - مشارکتی (سناریوی ممکن)

بحث و ارزیابی سناریوها

بر این اساس، همان‌طور که مشاهده می‌شود، نرم‌افزار سناریو ویزارد، امکان استخراج و تفکیک سناریوهای با احتمال سازگاری با واقعیت بالا را از سناریوهای با احتمال سازگاری ضعیف برای ما فراهم نمود. پس از تدوین سناریوها، آنها به ۵ نفر از پنل خبرگان پژوهش ارائه گردید و از آنها

خواسته شد که کیفیت هریک از سناریوها را مبتنی بر شاخص‌های مطلوب، بدبینانه، محتمل و ممکن ارزیابی نمایند. برون‌داد این امر در چارچوب سناریوهای فوق‌الذکر قابل مشاهده می‌باشد. در ادامه باید دید که تصمیم‌شناسایی شده در گام اول بازگشت، با عملکرد تصمیم ما، که همانا شناسایی وضعیت آینده فرهنگ سیاسی در ایران ۱۴۱۲ بود؛ هر یک از این سناریوها چه‌طور به نظر می‌رسد.

سناریوی اول: سناریوی فرهنگ سیاسی مردم‌سالاری دینی (سناریوی مطلوب و خوش‌بینانه)؛

منطق سناریوی فرهنگ سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی بر این اساس استوار می‌باشد که ارزش‌های اسلامی (جدول شماره ۱۶) منطبق بر تفاسیر امام‌خمينی(ره) از عدالت توسط مردم و مسئولان نظام پیگیری خواهد گردید (جدول شماره ۱۱) و عدالت‌خواهی تبدیل به گفتمانی عمومی در جامعه می‌گردد و هر پدیده ضد عدالت در واقعیات کشور مورد سوال قرار می‌گیرد. از طرفی نیز فرهنگ سیاسی در مسیر تحقق ارزش‌ها، نمادهای عاشورایی و مهدوی (مطابق جدول شماره ۱۳ و ۱۴) درونی نمودن آن و همچنین تنظیم کنش و واکنش انسانی در پیوند با این ارزش‌ها صورت خواهد گرفت؛ این امر مبتنی بر عقلانیتی برآمده از جامعیت‌گرایی می‌باشد که در آن، منافع فردی، گروهی و حزبی نمی‌تواند محلی از اعراب داشته باشد؛ در واقع اسلام راستین و منافع ملی در پیوند با یکدیگر تعبیر می‌شود. از سوی دیگر تلاشی در راستای کاهش وابستگی کشور در حوزه‌های مختلف به بازیگران بین‌المللی صورت خواهد گرفت، در این شرایط استقلال به معنای امکان و توان تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی مستقلانه و برقراری رابطه عزت‌مندانه با سایر بازیگران بین‌المللی، فارغ از وابستگی در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور و همچنین ایجاد سد در مقابل نفوذ (کشورهای غربی و شرقی) و نه به معنای قهرکردن با سایر کشورها و زندانی کردن سیاست و اقتصاد در داخل مرزهای کشور و یا وابستگی به بلوکی از قدرت‌های جهانی و پس‌زدگی از قدرت‌های دیگر است. همچنین در ارتباط با چالش‌های اجتماعی که در ادوار مختلف میان مردم و دستگاه حاکمیت بروز می‌یابد، می‌توان با ترسیم اسطوره‌های کلان ملی و محلی که ماهیت وحدت‌بخش و مورد توافق گروه‌های اجتماعی در ایران باشد و نمایان‌گر ارزش‌های اسلامی و ملی می‌باشند، پوششی تسلی‌بخش بر آن ارائه نمود. در این راستا تأکید بر پیوند دین و سیاست صورت خواهد گرفت. پیوندی که در آن مقبولیت اجتماعی و مشروعیت الهی دستگاه حاکمیت، توأمان مورد توجه قرار گیرد و در پیوند دین

و سیاست جلوة رحمانی، همراهی جویانه و مددجویانه اسلام برای شهروندان پررنگ تر شود. بر این اساس، ضمن برخورداری افراد از خودآگاهی اسلامی و ملی، از مشارکت و مداخله آنان در حوزه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور حمایت گردیده و مردم فاصله‌ای میان خود و حاکمان خود متصور نبوده و آنان را مسئولینی می‌یابند که از دل جامعه برآمده و درصدد تأمین و اجرای خواسته و اهداف اجتماعی و الهی می‌باشند.

سناریوی دوم: سناریوی فرهنگ سیاسی انحصارگرایی دینی (سناریوی بدبینانه)؛

در این سناریو با اتخاذ رویکردی گزینشی، از رهگذر خواست و منویات شخصی، حزبی و جناحی به مقوله عدالت‌خواهی نگریسته شده و عدالت تنها در قالب مفهوم خاص و ویژه‌ای تعریف گردیده که هر نوع برداشت دیگری از آن، مردود بوده و مستحق برخورد و زدودن می‌باشد. حتی اگر افرادی از درون گروه و جریان حاکم، بانگ عدالت‌خواهی سر برآورند و به برخی از روندهای موجود اعتراض نمایند، تحمل نمی‌شوند که این امر، موجب دلسردی و کناره‌گیری مردم و نیروهای اجتماعی از صحنه سیاسی و اجتماعی خواهد شد. همچنین در این رویکرد استقلال‌خواهی به معنای انزوا طلبی از کل صحنه بین‌المللی و یا بخش کلانی از جامعه بین‌المللی تعبیر شده که به بخش اعظمی از بازیگران بین‌المللی به مثابه دشمن نگریسته می‌شود؛ همچنین فرهنگ عاشورایی را صرفاً در بُعد تقابل‌گرایانه آن مورد پذیرش قرار داده و نسبت به صلح امام‌حسن(ع) با معاویه و شرایط و ویژگی‌های مسبب آن بی‌اعتنا می‌باشند. از سوی دیگر اسطوره‌زدایی در جامعه پیگیری می‌شود و یا اسطوره‌هایی توسط دستگاه حاکمیت ایجاد می‌گردند که اساساً فاقد مقبولیت کلان اجتماعی بوده و صرفاً مورد تأیید بخش محدودی از جریان‌های اسلامی در کشور می‌باشد. علاوه بر این، به شدت بر پیوند دین و سیاست تأکید گردیده و اعتقاد بر این است که ارزش‌های اسلامی تحت هر شرایطی حتی با وجود مخالفت اجتماعی و سیاسی، باید توسط حاکمیت و نهادهای اسلامی و متشرعه اجرایی شود و در این راستا مقبولیت و پذیرش اجتماعی محلی از اعراب ندارد. بر اساس فرهنگ سیاسی انحصارگرایی دینی، اگرچه مردم تا حدی از آگاهی برخوردار می‌باشند و نسبت به عملکرد و شیوة حکمرانی حاکمان آگاهی دارند، با این وجود احساس می‌نمایند که از طرف حاکمیت کنار زده شده، توان و امکان ایجاد تغییر در

تصمیم‌گیری‌های سیاسی را دارا نمی‌باشند و با غلبه دلسردی و افسردگی سیاسی، رویکردی منفعلانه و انزواجویانه را در پیش می‌گیرند.

سناریوی سوم: سناریوی فرهنگ سیاسی مشارکت دموکراتیک (سناریوی محتمل)؛ در این سناریو، رویکردی گزینشی در ارتباط با عدالت‌خواهی برگزیده می‌شود و در آن مردم و دستگاه حاکمیت اقدام به ترسیم خط انقطاعی میان گروه‌های خودی و غیرخودی می‌نمایند و در صورت بروز فریاد عدالت‌خواهی از سوی گروه‌های غیرخودی، با آنها برخورد می‌شود، همچنین در زمینه استقلال‌خواهی تأکید بر ادغام در فرآیند جهانی‌شدن و پیوستن به بازارهای بین‌المللی است و بر وابستگی متقابل میان کشورها پافشاری می‌شود. در زمینه فرهنگ عاشورایی عمدتاً تفسیری مبتنی بر فرهنگ مصالحه‌جویانه حسنی و خویش‌داری در مقابل بی‌عدالتی و همچنین ترویج رفاه‌طلبی و دنیاطلبی ارائه شده و توجه چندانی به مسئله انتظار و موعودگرایی و ارزش‌های برآمده از آن (جدول شماره ۱۴) مطرح نمی‌شود. در ادامه در ارتباط با اسطوره‌سازی، به برخی از مؤلفه‌های هویتی و فرهنگی ایرانیان (تأکید بیشتر بر ایرانی‌ت و مدرنیته و در درجه دوم تر اسلامیت) توجه نموده و در نتیجه در صورت ترسیم اسطوره‌ای خاص، نمی‌تواند مورد اتفاق اجتماعی قرار گیرد. همچنین در زمینه پیوند دین و سیاست، بر سکولاریسم و پیوند حداقلی دین با سیاست تأکید می‌شود و استدلال‌هایی همچون سیاست دون از شأن دین است و دین نباید در آن دخالت نماید، و یا اینکه اگر دین در سیاست دخالت نماید و نتواند نیازهای بشری را رفع نماید، بر جایگاه دین خدشه وارد می‌شود و در نتیجه دین نباید در امور دنیوی مداخله نماید و غیره، ارائه می‌نمایند. در نتیجه در این وضعیت، مردم از کنش‌ها و واکنش‌های خویش و ساختار نظام سیاسی آگاهی کامل داشته و سعی می‌نمایند خواست‌ها و نیازهای خویش را با حاکمیت به طرق مختلف (مسالمت‌آمیز و غیرمسالمت‌آمیز) مطرح نموده و در جهت اجرایی شدن امیال خویش، از هیچ عملی خودداری نمی‌نمایند.

سناریوی فرهنگ سیاسی تبعی - مشارکتی (سناریوی ممکن)؛

مطابق این سناریو، رویکردی گزینشی در ارتباط با عدالت‌خواهی برگزیده می‌شود و در آن مردم و دستگاه حاکمیت اقدام به ترسیم خط انقطاعی میان گروه‌های خودی و غیرخودی می‌نمایند و در صورت بروز فریاد عدالت‌خواهی از سوی گروه‌های غیرخودی، با آنها در سطح اجتماعی و حاکمیتی برخورد می‌شود، همچنین رویکرد نسبت در استقلال به معنای تأکید بر ضرورت حفظ استقلال سیاسی

کشور در عین وابستگی و پیوستگی در حوزه‌های دیگر تأکید می‌شود. علاوه بر این، فرهنگ عاشورایی صرفاً در بُعد تقابلی گرایانه آن مورد پذیرش بوده و در برهه‌های مختلف، تفاسیری از آن ارائه می‌شود که با خواست و امیال برخی از گروه‌های اجتماعی هم‌سو باشد و نسبت به صلح امام‌حسن(ع) با معاویه و شرایط و ویژگی‌های مسبب آن بی‌اعتنا می‌باشند؛ همچنین رویکرد اسطوره‌زدایی حاکم بوده و در صورت ترسیم اسطوره‌های محدود و موقتی، فاقد ماهیت جامعیت‌گرایانه می‌باشد و بر یکی از عناصر هویتی ایرانیان استوار خواهد بود. علاوه بر این تأکید بسیاری بر پیوند دین و سیاست می‌باشد که خواسته و امیال اجتماعی و مقبولیت اجتماعی در مقام دون‌تر از مشروعیت الهی قرار گرفته و هدف آن وضع و اجرای احکام الهی در جامعه می‌باشد؛ در این صورت خواست و رضای اجتماعی در اجرای برنامه‌ها نقش کم‌رنگی ایفا می‌نماید. بر این اساس، اگرچه افراد در این سناریو به گروه‌های آگاه فعال و منفعل تقسیم می‌شوند؛ با این وجود گروه‌های فعال نسبت به برنامه‌ها و اهداف نظام، حساس بوده و هرآنچه که برخلاف رویکرد فرهنگ اسلامی (و با شدت کمتر رویکرد فرهنگی و هویتی ایرانی و مدرنیته) در سیستم حاکمیتی پی‌گیری شود مورد اعتراض و واکنش اجتماعی قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش گردید نسبت به شناسایی سناریوهای آینده فرهنگ سیاسی در ایران ۱۴۱۲ مبتنی بر چارچوب مفهومی فرهنگ سیاسی «آلموند و وربا» اقدام شود و در این راستا عنوان گردید که مبتنی بر نگاه بسیاری از متفکرین، در حال حاضر فرهنگ سیاسی تبعی-مشارکتی با شدت و ضعف متفاوتی در ایران غالب می‌باشد. با این وجود، پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های متعدد و متنوعی بر تداوم و یا تغییر مسیر و ریل‌گذاری در حوزه فرهنگ سیاسی اثرگذار می‌باشد. بر این مبنا از میان ۱۸ پیشران کلیدی منتخب تأثیرگذار، ۵ عدم قطعیت کلیدی همچون اسطوره‌سازی، عدالت‌خواهی، فرهنگ عاشورایی و مهدویت، استقلال‌خواهی، پیوند دین و سیاست مبتنی بر نظر پنل خبرگان پژوهش شناسایی گردید و از این میان، با اتکا به توضیحات و برداشت‌های مختلفی که در ارتباط

با هریک از عدم قطعیت های کلیدی در متن ارائه گردید، توصیف گرهایی طرح ریزی شد. همچنین عنوان داشتیم که عدم قطعیت های استخراج شده، به مثابه مفاهیمی می باشند که در میان افراد و متفکرین از تنوع برداشتی و توصیفی برخوردار بوده و این دیدگاه های مختلف، اثرات و نتایج گوناگونی بر آینده فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت.

در این راستا، با بهره گیری از پنل خبرگان پژوهش و با بهره گیری از نرم افزارهای سناریوی ویزارد مشخص گردید که ۲۳ سناریو برای آینده فرهنگ سیاسی در ایران ۱۴۱۲ قابل ترسیم است که از این میان، ۴ سناریوی مردم سالاری دینی، انحصارگرایی دینی، مشارکت دموکراتیک و همچنین فرهنگ سیاسی تبعی - مشارکتی در نتیجه فرآیند تجزیه و تحلیل نرم افزار سناریو ویزارد از ارزش پایداری بالای صفر برخوردار بودند و دیگر سناریوها دارای ارزش پایداری کمتر از صفر و منفی بودند و در نتیجه ارائه سناریوهای چهارگانه به ۵ عضو پنل خبرگان، به ترتیب سناریوهای فوق الذکر به عنوان سناریوهای مطلوب، بدبینانه، محتمل و ممکن شناسایی و تأیید گردیدند و از میان ۴ سناریوی مطرح شده، سناریوی فرهنگ سیاسی تبعی - مشارکتی از بیشترین درجه احتمال وقوع برخوردار می باشد.

راهکارها و پیشنهادات

- تلاش در جهت جلوگیری از انحصارطلبی و تقویت جامعیت گرایی و رشد و تقویت نهادها و کارگروه های فراگفتمانی در سراسر کشور
- تقویت نهادهای نظارتی جهت شناسایی و هدایت گروه های متعارض با گفتمان جامعیت گرایی ملی.
- ارزیابی و شناسایی مفاهیمی که (قابلیت ایجاد وحدت و انسجام میان نیروهای اجتماعی دارد) میان گروه های دینی، ملی و قومی دارای اشتراک ارزشی می باشند و تقویت و تبلیغ آن در عرصه ملی و فرا ملی.
- شناسایی، ترویج اساطیر و اسوه های (ملی، دینی و قومی) که تبیین گر مفاهیم کلیدی هویتی در سرزمین ایران باشند تا از این رهگذر، ضمن ایجاد پیوند درون سرزمینی، محل رجوع و رفع اختلاف و تعارضات احتمالی در جامعه قرار گیرند.

- تقویت رویکرد تکثرگرایی اجتماعی (در نقطه مقابل تکثرگرایی معرفتی) و پذیرش جریان‌ات عدالتخواه در درون گفتمان جمهوری اسلامی ایران
- تأکید بر پیوند دین و سیاست مبتنی بر عقلانیت دینی و اجتهاد سیاسی مورد نظر امام خمینی(ره) و همچنین پیوند توأمان مشروعیت الهی نظام در عین حفظ مقبولیت اجتماعی با در نظر گرفتن نیازها و خواست‌های نسل جوان
- بهره‌گیری از رویکردهای آینده‌پژوهانه در حوزه فرهنگی، درک، شناسایی خواسته‌ها و نیازها و انتظارات نسل جوان از نظام سیاسی
- ترویج و ترسیم مستقلانه فرهنگ عاشورایی و مهدویت مطابق با اهداف والای امامان و مطابق با نیازهای روز جامعه و خودداری از تفسیر به رأی توسط گروه‌ها و جریان‌ات سیاسی در دوره‌های مختلف تصدی‌گری قدرت

منابع و مأخذ

- آقاجانی، نصرالله(۱۳۸۱)، «انحرافات و آسیب‌های اجتماعی از دیدگاه قرآن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)
- امام خمینی(ره)(۱۳۷۳)، آیین انقلاب اسلامی (گزیده‌ای از اندیشه و آراء امام خمینی(ره))، تهران: نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)
- امام خمینی(ره)، سیدروح الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، ج ۳؛ ج ۴، ج ۵، ج ۶، ج ۹، ج ۱۰، ج ۱۱، ج ۱۵، ج ۱۷، تهران: نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)
- امینیان، بهادر، مهدی، سارا(۱۳۹۱)، «نقش اسطوره‌ها در هویت ملی و ملت‌سازی: مورد ایران»، نشریه ادبیات پایداری، ۳(۶)، صص ۲۷-۴۶
- آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی، «بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان»، تاریخ انتشار ۱۰، ۰۸، ۱۳۸۳،

آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی، «بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث»، تاریخ انتشار

۱۰/۱۲/۱۴۰۰، قابل دسترس در www.farsi.khamenei.ir

آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی، «بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش»، تاریخ

انتشار ۱۹/۱۱/۱۳۹۲، قابل دسترس در www.farsi.khamenei.ir

آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی، «بیانات در حرم مطهر رضوی»، تاریخ انتشار ۰۱/۰۱/۱۳۹۳، قابل

دسترس در www.farsi.khamenei.ir

آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی، «حکمت الهی اقتضا کرده است این انتظار بزرگ را / مؤمن حضور امام

(ع) را در دل احساس می‌کند»، تاریخ انتشار ۱۵، ۰۳، ۱۴۰۰، قابل دسترس در

www.shabestan.ir

بازرگان، مهدی (۱۳۷۴)، «آخرت و خدا، هدف بعثت انبیاء»، مجله کیان، شماره ۲۸

مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی (۱۳۹۶)، بحارالانوار، جلد ۹۷ و ۴۴، قم، نشر دارالکتاب الاسلامیه

بدیعی ازندهای، مرجان، حسینی نصرآبادی، نرجس‌السادات (۱۳۹۱)، «جهانی شدن و تحول مفهوم

حاکمیت ملی»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۲ (۲۵)، صص ۱۵۱-۱۷۲

بشیر، حسن، حسینی، سید بشیر (۱۳۹۱)، «کارکرد الگویی شخصیت پردازی بر مخاطب؛ مطالعه موردی

عروسک باری»، نشریه دین و ارتباطات، ۱۹ (۴۱)، صص ۵-۳۵

بهداروند، محمد مهدی (۱۳۸۱)، «درآمدی بر رابطه دین و سیاست، حکومت اسلامی»، شماره ۲۴،

قابل دسترس در www.ensani.ir/fa/article

بهشتی، محمدباقر، زالی، نادر (۱۳۹۰)؛ «شناسایی عوامل کلیدی توسعه منطقه‌ای با رویکرد

برنامه‌ریزی بر پایه سناریو: مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی»، مدرس علوم انسانی -

برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۱۵ (۱)، صص ۴۱-۶۳

جعفری، محمدتقی (۱۳۷۵)، «تحلیل سکولاریزم»، فصلنامه قبسات، ۱ (۲)، صص ۱۱۸-۱۳۳

جعفری، محمدتقی (۱۳۷۵)، «تحلیل و بررسی سکولاریزم»، مجله قبسات، شماره ۱، قابل دسترس در

www.ensani.ir/fa/article

جواری، محمدحسین، رضائی، مهناز (۱۳۹۵)، «ساختار اسطوره و زبان، ساختار خویشاوندی و زبان در مردم‌شناسی ساختاری کلود لوی اشتروس»، دو ماهنامه جستارهای زبانی، ۷(۳۳)، صص ۴۳-۶۶

خادم‌آدم، ناصر (۱۳۷۰)، «سیاست تنظیم مکانیزم دموکراسی اقتصادی»، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره‌های ۵۰-۴۷

خواججه‌سروی، غلامرضا، «رابطه دین و سیاست در اندیشه مهندس بازرگان»، تاریخ انتشار ۱۳۸۶، ۰۸، ۱۹، قابل دسترس در www.farsnews.ir

دارابی، علی، مطلبی، مسعود (۱۳۹۸)، «تبیین مؤلفه‌های دینی در فرهنگ سیاسی جامعه ایرانی پس از انقلاب اسلامی»، فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، ۸(۳۱)، صص ۶۷-۱۰۱۰
داوری‌اردکانی، رضا (۱۳۷۵)، «پست مدرنیسم یعنی چه؟»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، ۲(۶)، صص ۷۲-۸۰

دشتکی، علی (۱۳۸۸)، «مبارزه با تحریف دین از دلایل مهم شکل‌گیری نهضت عاشورا است»، خبرگزاری مهر، قابل دسترس در www.mehrnews.com

رزاقی، سهراب (۱۳۷۵)، «مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی ما»، نقد و نظر، شماره ۶ و ۷.
رفیع، حسین، عباس‌زاده مرزبالی، مجید، قهرمان، میثم (۱۳۹۷)، «فرهنگ سیاسی؛ یک بررسی مفهومی و نظری»، فصلنامه سیاست، ۵(۱۷)، صص ۲۳-۴۱

رهبرقازی، محمودرضا، امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد، نوربخش، سوسن، خاکی، مینا (۱۳۹۵)، «بررسی رابطه دین‌داری با دو نوع فرهنگ سیاسی مشارکتی و دموکراتیک»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۱۹(۷۱)، صص ۱۴۱-۱۶۵

رهبرقازی، محمودرضا، گشول، سعید، عربیان، حسین، آشنایی، سهیلا (۱۳۹۵)، «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر فرهنگ سیاسی مشارکتی»، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، ۴(۴)، صص ۱۰۱-۱۲۲

سروش، عبدالکریم (۱۳۷۵)، «تحلیل مفهوم حکومت دینی»، مجله کیان، شماره ۳۲، صص ۲-۱۳

سینایی، وحید، ابراهیم آبادی، غلامرضا (۱۳۸۴)، «کثرت‌گرایی فرهنگی در عصر جهانی‌شدن و تحول فرهنگی سیاسی نخبگان در ایران»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۵، صص ۱۰۷-۱۳۹

نهج البلاغه، تصحیح شریف‌الرضی، نامه ۵۳ و ۱۴۵ و ۴۲۹

شعرانی، ابوالحسن (۱۳۸۸)، نشر طوبی، تهران، نشر اسلامی

فاطمی‌نیا، محمدعلی (۱۳۹۸)، «صد سال فرهنگ سیاسی در ایران: فرا تحلیل آثار پژوهشی مرتبط با دوره مشروطه تا انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۲(۴)، صص ۳۷-۶۰

فوکو، میشل، (۱۳۷۷)، ایرانی‌ها چه رویایی در سر دارند؟، ترجمه حسین معصومی همدانی، چاپ سوم، تهران: نشر هرمس

فیاض، سیدعلی، «مردم‌سالاری دینی گفتمان رهبر انقلاب اسلامی»، تاریخ انتشار ۱۳۸۸، ۰۵، ۰۷، قابل دسترس در www.farsi.khamenei.ir

قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۸ ق/ ۱۳۷۶ ش

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، «عدالت و حقوق بشر»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۷(۳)، صص ۳۲۳-۳۳۱

کریمی‌مله، علی، رضایی، احمد (۱۳۸۵)، «فرهنگ سیاسی مردم مازندران»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۲۱(۲)، صص ۳۹-۶۱

کلینی، کافی، جلد ۱، باب نادر فی حال الغیبه، ح ۲

محدثی، جواد (۱۳۷۴)، فرهنگ عاشورا، تهران، نشر معروف

محدثی، حسن، «مردم‌قهرمان طلب فاقد مسئولیت در برابر حکومت غیرپاسخگوی فریه!»، تاریخ انتشار ۱۴۰۱، ۰۶، ۲۲، قابل دسترس در www.ensafnews.com

محمدپور جابری، مرتضی، ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۹۵)؛ «شناسایی و تحلیل اثرات متقابل عوامل کلیدی و سنجش میزان پایداری منطقه‌ای با رویکرد آینده‌نگاری راهبردی (مطالعه موردی:

استان خراسان شمالی)»، فصلنامه جغرافیا و پایداری محیط، ۶(۳)، صص ۱-۱۷

مزروعی، رجبعلی (۲۰۰۵)، «استقلال در پیوند با نظام دموکراتیک»، نشریه آنلاین‌نامه

مصطفوی، زهرا، «استقلال سیاسی از نگاه حضرت امام (ره)»، تاریخ انتشار ۱۳۹۷، ۰۴، ۳۰، قابل دسترس در www.imam-khomeini.ir

مطهری، سیدمرتضی (۱۳۸۱)، یادداشت‌های استاد مطهری، جلد ۶، تهران: نشر صدرا

مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: نشر صدرا

منصوری، جواد (۱۳۷۴)، فرهنگ استقلال، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

موقن، یدالله، «اسطوره و نقش آن در سیر تمدن بشری»، سایت مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی)، تاریخ انتشار ۱۳۹۷، ۰۶، ۱۸، قابل دسترس در www.cgie.org.ir

نوازنی، علی، هرسیج، حسین، عیوضی، محمدرحیم (۱۴۰۱)، «طراحی سناریوهای خروج از چالش هویت در ایران (۱۴۱۰-۱۴۰۰)»، فصلنامه مطالعات ملی، ۲۳(۱)، صص ۷-۲۹

یزدی، ابراهیم (۲۰۰۵)، «دموکراسی و استقلال، دوروی یک سکه»، نشریه آنلاین‌نامه